

گذشته و حال فهرستنگاری

سؤال اول: انگیزه روی آوردن حضرتعالی به رشته فهرست‌نگاری چه بوده است؟
استادی:

اگر دانشجویی در کار تحقیقی خود به نسخه‌ کتابی نیاز داشته باشد و بداند که در فلان کتابخانه هست، اما هنگامی که به آن کتابخانه رجوع کند، به او بگویند بله این کتاب را داریم اما باید خودتان آن را پیدا کنید، زیرا نسخه‌ های این کتابخانه هیچ نوع فهرست و گروه‌ بندی ندارد، و او وارد مخزن شود و با صرف وقت فراوان، نتیجه‌ ای نیز نگیرد، حتماً چنین شخصی ضرورت فهرست را برای کتابخانه احساس می‌ کند و شاید در طول این جستجو و صرف وقت بی‌ نتیجه، چند بار با خود زمزمه کند که ای کاش این کتابخانه فهرستی داشت و مرا از این سردرگمی نجات می‌ داد.

بنده دوبار گرفتار این درد سر شدم. یک بار به کتابخانه ملی (تهران، خیابان قوام السلطنه سابق) رجوع کردم و گفتم به کتابی نیازمندم که در فلان تاریخ اجازه چاپ آن گرفته شد و از این رو حتماً نسخه آن باید در این کتابخانه موجود باشد. پس از عدم دستیابی، پاسخ دادند شاید جزء کتابهایی باشد که در انبار است. آنگاه با تقاضای اینکه به انبار بروم و با زیرو رو کردن کتابها، شاید کتاب مورد نظر را پیدا کنم موافقت شد، به انبار رفتم و هرچه تلاش کردم به نتیجه نرسید و مایوس به خانه بازگشتم.

بار دیگر به نسخه خطی کتاب «الطرائف» سید بن طاووس- رضوان الله تعالی علیه- نیاز داشتم که در کتابخانه مدرسه فیضیه قم موجود بود. هنگامی که به آنجا رجوع کردم، فرمودند: همه نسخه‌ های خطی این کتابخانه فهرست ندارد و آن تعداد هم که فهرست شده با

عالمان بزرگ و مرزداران اندیشه اسلامی و فرهیختگان تربیت یافته در مکتب اسلام، در درازای سده‌ ها برای تبیین حقایق دین و تفسیر معارف قرآن و حراست از فرهنگ آن، بسیار کوشیدند و از بام تا شام زندگی را به پژوهش و نگارش بسر آوردند و بدین سان میراث گرانبه‌ ای را غنا بخشیدند. متأسفانه بسیاری از این آثار در گذرگاه زمان در اثر حوادث روزگار و فرازها و فرودهای زمانه از بین رفته است. بخش عظیمی نیز در کتابخانه‌ های عمومی و شخصی، غبار فراموشی بر چهره دارند و از چگونگی آنها نشانی نیست. فهرستنگاری این آثار برای شناساندن این میراث گرانسنگ و اطلاع‌ رسانی به عالمان و محققان، گامی است بس بلند و فاخر که حوصله‌ ای عظیم، عشقی بی‌ کران و توش و توانی استوار می‌ طلبد. خوشبختانه کسان معدودی از عالمان بر ضرورت این خدمت فرهنگی توجه کرده و برای سامان بخشیدن بدان کمر همت بر بسته‌ اند. در این شماره مجله، که ویژه کتاب و کتابخانه است، بانیان مجله پرسشهایی درباره فهرست و فهرستنگاری و چندی و چونی آن از عالمان این حوزه کرده‌ اند. برخی از بزرگواران را فرصت پاسخگویی نشد و برخی از سرلطف به سؤاها پاسخ دادند. با تشکر از اساتید گرامی، آقایان رضا استادی و سید محمدباقر حجتی و سید احمد حسینی اشکوری که در این گفتگو شرکت کردند، اینک به ترتیب الفبایی نام این بزرگواران، متن پاسخها را می‌ آوریم.

آینه پژوهش

بقیه نسخه‌ها مخلوط گشته است؛ اگر مایل باشید می‌توانید خودتان به مخزن بروید و نسخه مورد نظرتان را پیدا کنید. اما در مخزن نیز هرچه کتابها را این طرف و آن طرف کردم به مقصود نرسیدم که نرسیدم.

اینجا بود که تصمیم گرفتم نسخه‌های خطی کتابخانه مدرسه فیضیه را فهرست کنم و به این منظور دو نفر از علمای آن که به حقیر لطفی داشتند، واسطه قراردادام تا سرپرست محترم کتابخانه با پیشنهاد موافقت کرد و کار فهرست‌نگاری من از اینجا رسماً شروع شد.

البته بنده سالها پیش از آغاز تألیف فهرست نسخه‌های خطی فیضیه، با کتاب و نسخه‌های خطی سروکار داشتم و اصولاً طلبگی من با رفت و آمد به کتابفروشیهای قدیمی تهران و قم و غیره و خرید و فروش و تعویض و شناسایی کتاب و نسخه آغاز شده بود و ادامه داشت. از روزی که فهرست‌نگاری را شروع کردم تا این تاریخ، فهرست‌های زیر توسط اینجانب تألیف و نشر شده است:

- ۱- فهرست صدوشصت نسخه خطی
- ۲- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مدرسه حجّتیہ قم (هفتصد نسخه).
- ۳- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مدرسه فیضیه (۲۲۰۰ نسخه در دو جلد).
- ۴- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مسجد اعظم قم (۴۰۰۰ نسخه).
- ۵- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مدرسه آیت‌الله گلپایگانی قم (۲۴۰۰ نسخه در دو جلد).
- ۶- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مدرسه مروی در تهران (۱۰۰۰ نسخه).
- ۷- فهرست نسخه‌های خطی آقا سید مصطفی خوانساری (اهدایی رهبر معظم انقلاب به کتابخانه آستان قدس رضوی ۱۵۰۰ نسخه).
- ۸- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه چهل ستون تهران (آشنایی با چند نسخه خطی).
- ۹- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیت‌الله زنجانی (آشنایی با چند نسخه خطی).
- ۱۰- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه حسینیہ شوشریهای نجف تألیف آقای اسماعیلیان و تنظیم اینجانب

(۱۰۰۰ نسخه).

- ۱۱- فهرست نسخه‌های خطی مدرسه حجازیه‌های قم (۱۵۰۰ نسخه).
- ۱۲- فهرست نسخه‌های خطی مرحوم آیت‌الله طبسی حائری در قم (۵۰۰ نسخه).
- ۱۳- فهرست نسخه‌های خطی مرحوم آیت‌الله حجّت در قم.
- ۱۴- فهرست نسخه‌های خطی مرحوم آیت‌الله حاج شیخ علی خوانساری قم (۱۵۰ نسخه).
- ۱۵- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه امامزاده هلال آران کاشان (۲۰۰ نسخه).

۱۶- فهرست دویست و سی نسخه خطی که چندی پیش زیارت کرده و فهرست نموده‌ام و اخیراً در مجله نور علم قم چاپ شد.

و اکنون هم با اینکه مشغله‌ام کم نیست، اگر متوجه شوم مجموعه‌ای در جایی هست که فهرست ندارد، از اینکه در حدّ وسع خود وقت بگذارم و برای آن مجموعه فهرستی - گرچه ناقص - تنظیم کنم، هیچ ابائی ندارم و برای اینکه معلوم باشد که این کار معلول عشق و علاقه است، عرض می‌کنم فهرست‌نویسی برایم درآمدی نداشته است؛ زیرا از این شانزده فهرست، یازده فهرست را مجانی انجام داده‌ام و در بقیه اگر حق التألیف هم گرفته‌ام جز در یک مورد خیلی ناچیز بوده است.

حجّتی:

انگیزه اینجانب در فهرست‌نگاری به سال ۱۳۳۹ هـ. ش باز می‌گردد. هر چند که نمی‌توانم روی آوردنم به این کار را نتیجه عاملی بنامم که در خور احراز عنوان «انگیزه» باشد؛ چرا که در این سال علاوه بر آنکه در مدرسه مروی تهران سرگرم تحصیل علوم دینی (درس خارج فقه و اصول فقه و فلسفه) بودم، در دانشکده الهیات و معارف اسلامی و دانشگاه تهران، آخرین سال تحصیل در دوره دکتری «معقول = حکمت و فلسفه اسلامی» را پشت سر می‌گذاردم و هیچ اشتغالی جز تحصیل در حوزه و دانشگاه و یا تدریس در مدرسه مروی نداشتم، و امرار معاش با درآمد مدرسه مروی - که ماهانه از پنجاه تومان فراتر نمی‌رفت - برای این بنده بسیار

دشوار می نمود. تا آن هنگام به علت عدم بضاعت مالی هنوز تأهل اختیار نکرده بودم، و دوست نداشتم به کاری غیر علمی برای تأمین هزینه معاش روی آورم. هر چند همگی همسالان و آقران این بنده سالها قبل از آن به شغل دبیری و امثال آن دست یازیدند، و بسیاری از آنها - جز شماری چند که از تعداد انگشتان یک دست تجاوز نمی کرد - به اصطلاح «تغییر لباس» دادند. مسجد و محرابی هم نداشتم و به توصیه مرحوم والد - اعلی الله مقامه الشریف - راه منبر و خطابه را نپیمودم؛ چون می فرمود قبل از آنکه در علوم دینی به مراحل مناسبی برسی خود را از مطالعه و تحقیق و درس غافل مساز، و منبر و محراب در غیر موقع مناسب، باعث می شود از سرمایه گذاری فرصت خویش در درس و تحقیق بکاهی.

باید متأهل می شدم و هزینه تشکیل و ادامه زندگانی خانوادگی را تأمین می کردم، در پی کاری می کاویدم که تناسبی تام با اندوخته های طلبگی من برخوردار داشته باشد. سرانجام یکی از استادان دانشکده الهیات تهران روزی مرا در مدرسه مروی تهران دید، از من پرسید: چه می کنی؟ پاسخ دادم سرگرم تحصیل و تدریس در مدرسه مروی و گذراندن آخرین سال دوره دکتری دانشگاه هستم و شغل دیگری ندارم، و با اینکه تا آن زمان حدود شانزده سال تحصیلات حوزوی را پشت سر گذاشته بودم، جز تحصیل و تدریس در مدرسه مروی و ادامه تحصیلات دانشگاهی هیچ شغلی را پذیرا نشدم؛ اما با پرسش و پاسخهایی که میان بنده و این استاد رد و بدل شد و با توجه به اینکه ممری برای اعاشه نداشتم، آمادگی خود را برای اشتغال در دانشگاه اعلام کردم و به صورت روزمزد - که مبلغ آن ماهیانه به یکصد و پنجاه تومان می رسید - در کتابخانه دانشکده الهیات تهران تدوین فهرست نسخه های خطی را آغاز کردم؛ اما هنگام دریافت حقوق ماهیانه، مسؤولان دانشکده احساس می کردند مبلغ یکصد و پنجاه تومان حقوق ماهیانه برای کسی که قریباً از دوره دکتری فراغت کسب می کند، بسیار اندک و حتی به دور از انصاف است؛ لذا با کمال سماجت و حاتم وار! بر مبلغ یادشده، افزودند و تا سیصد تومان - یعنی روزانه ده تومان - ماهیانه برای اینجانب مقرری تعیین کردند و من به جای شش ساعت کار در روز، غالباً از ساعت هشت

بامداد تا ساعت نه شب در کتابخانه دانشکده الهیات، مقدمات تدوین فهرستی برای نسخه های خطی آن را فراهم می آوردم؛ نسخه هایی که در میان گونیه روی هم انباشته شده بودند. ابتدا باید این کتابها را که آغشته به گردوغبار، و بسیاری از آنها به علت موریانه خوردگی و بی توجهی، از هم پاشیده و اوراقشان از هم گسیخته بود، از گونیه بیرون می آوردم و میکربهای تازه و بیات آنها را استنشاق کنم، آنگاه به ترتیب و رده بندی آنها از نظر قطع (رحلی، وزیری، رقعی ...) بپردازم. حالا شما تصور کنید که این کار شاق و دشوار آنهم با چنان حقوق گزاف! به چه انگیزه ای نیازمند است؟! خودم هم نمی دانم چه باعث و انگیزه ای مرا در این مسیر پر درآمد! چون فردی که به چیزی دل بستگی پیدا می کند، شبها پیش از خواب، نقش و نگارهای نسخه های مزین و آراسته و نوع خطوط نسخ و تعلیق و نستعلیق و شکسته نستعلیق و ثلث و محقق و ... و رنگهای لاجورد، سنگرف و سفیدآب و زرو زعفرانی و ... جداول و سرلوح و کتیبه و طلا اندازیهای میان سطور، تیماج سوخته، ترنج و ... و مؤلفان و مصنفان و همه خصایصی که در نسخه های خطی مشاهده می شد، سان می دیدم، و احیاناً در عالم رؤیا نیز با این گونه چیزها خوابهای خوشی را تعبیر می کردم!؛ آنچنان با این کار - بدون اینکه انگیزه ای را تاکنون بتوانم برای آن شناسایی کنم - خو گرفته بودم که تدوین پایان نامه دکتری خود را به فراموشی سپرده و شغل شاغلم غیر از تحصیل درس خارج و فلسفه و یا تدریس فقه و فلسفه در مدرسه مروی، تنها همان کار فهرست نویسی بود، و سرانجام دفاع از رساله دکتری ام شش سال پس از فراغ از درس دکتری، صورت پذیرفت که از لحاظ دید مادی چنان تعویقی، غبنی فاحش، بل «افحش» از دید و منطق دیگران تلقی می شد. با اینکه تدوین مجلد اول فهرست نسخه های خطی الهیات که تقریباً عمده فرصتهای مرا به خود اختصاص داده بود، موجب تأخیر تدوین رساله دکتری گردید اما نه تنها آن را ضایعه ای برای خود تلقی نمی کنم، بلکه احساس می کنم اگر این فهرست را نمی نگاشتم زیانمند بودم؛ زیرا نسخه های خطی دانشکده الهیات - که در میان آنها نفایسی از مخطوطات دیده می شد - در تهدید فرسایشی غیر قابل جبران بود از برکات

فهرست نگاری آنها، در درون کتابخانه آلات و ابزار صحافی و ترمیم نسخه‌ها فراهم آمد و بسیاری از این کتابها و نسخه‌ها سر و سامانی پیدا کرد.

هرچند در تدوین فهرست نسخه‌های خطی الهیات، مسؤولانی! خودی و بیگانه هرگونه اختیار را از من سلب کرده و در طبع و نشر آن خودمختار بوده‌اند و به هیچ وجه مراد را این جهت سهمی نبود؛ و مآلاً مجلد اول این فهرست که سزاوار بود حداقل در چهار پنج مجلد چاپ و منتشر شود، در یک مجلد در قطع «المنجد» و حجمی همانند یا بزرگتر از آن، با حروف بسیار ریز از رحم چاپخانه زاده شد و چهره‌ای ناخوش آیند به خود گرفت. گزارش آغاز و انجام بسیاری از نسخه‌ها که ضروری می‌نمود، توسط این مسؤولان حذف و اسقاط شد و گویا چون نخواستند حق التألیف! چند مجلد را دریافت کنم به چنین کاری خداپسندانه! دست یازیدند که نه نامی ویژه من در صفحه عنوان آن منعکس گردید، و نه نانی را برای من به ارمغان آورد؛ چرا که حق التألیف آن را نیز به من نپرداختند، با اینکه اکثر کار مربوط به تدوین آن را در ساعات غیراداری انجام دادم.

با وجود همه این ناگواریها به سائقه و انگیزه مرموزی که هنوز آن را درست باز نمی‌یابم، پس از آنکه مجلد اول بی‌نام و نان را در اداره انتشارات دانشگاه تهران به چاپ رساندند، و عواید از آن همه زحمت و مرارت و تلخکامیهای شش ساله، صرفاً اهدای پنجاه مجلد از فهرست بود که باید خود، آنها را به دیگران اهدا می‌کردم. مع الوصف دنباله فهرست نگاری را پی گرفتم و به تدوین مجلد دوم فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دانشکده الهیات روی نهادم و از آنچه بر سرم آمد، روی برتافتم؛ اما این بار دیدم این همه ستم بر اهل البیت روا نیست! و تن در دادن به دخالت دیگران در چاپ و نشر مجلد دوم فهرست، چندان سزا نبود؛ و مظلومیت، خود حدی دارد؛ لذا خود را مسؤول احساس می‌کردم که تولید چاپ این مجلد را خودم به عهده گرفته و تا حدی نقصها و کمبودها و هفوات مجلد اول را تحت عنوان «استدراك» - علاوه بر تدوین فهرست بقیه نسخه‌ها - جبران کنم. لذا مجلد دوم در قطعی مناسب و حرفی سزای آن توسط انتشارات دانشگاه تهران به طبع رسید.

اینهمه اطناب در سخن راجع به انگیزه بنده در فهرست نویسی از آن روست که می‌خواهم عرض کنم: اولاً: انگیزه‌های مادی نباید در شروع و اقدام به کاری تحقیقی و علمی دخیل باشد. اگر چنین انگیزه‌هایی را در کارهای تحقیقاتی دخالت دهیم توفیق ادامه کار از محقق سلب می‌شود. حتی بی‌نام و نان هم می‌توان کار علمی را - بدون چشم داشت مادی و دنیاوی - ادامه داد و حضرت باری تعالی هزینه زندگانی کسانی را که در پی علم و دانش و تحقیق می‌کاوند، از طُرُق ناشناخته و غیرعادی ضمانت کرده و از زبان پیامبر گرامی اسلام - صلی الله علیه و آله و سلم - این ضمانت را به همه پویندگان علم و دانش و به ویژه دانش دینی نوید داده است.

ثانیاً: گاهی در تناول غذایی، اشتها و تمایل شرط عمده آن نیست؛ باید تا اندازه‌ای آنرا تذوق کرد و مزه کار را چشید. من پیش از شروع به فهرست نگاری، انگیزه و اشتهایی را در خود نمی‌یافتم؛ اما پس از آنکه چندی آشنایی با کار، اشتهایی اشباع ناشدنی برای این کار در من پدید آمد و به تدریج حس کردم کاری بس نیکو و دارای عوایدی سرشار از نظر علمی است؛ هرچند در آنزمان به مدونان فهرست مخطوطات و نسخه‌های خطی وقعی نمی‌نهادند و از نظر مادی و نام و نشان، ارجی درخور شأن برای آنان قائل نبوده‌اند، و شماری از فهرست نویسان پرکار و نستوه بیش از مال و منال و نام و نشان، از گردوغبار و فرسایش نیروی بینایی و اختلال مزاج باید استقبال می‌کردند، و شماری دیگر که گنجورهای مخطوطات را از دور و نزدیک مرزبانی می‌کردند، عواید مادی قابل توجهی که غالباً حق آنها بوده به خود جذب کردند. با تمام این اوصاف باید گفت در آن روزها کمترین فتوری برای فهرست نگاری در من پدید نیامد؛ شرایطی سخت از ضروریات روزمره تدریس و مطالعات مربوط به آن در فهرست نگاری مصروف می‌گردد.

پس از تدوین دو مجلد فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران

هنوز آن انگیزه مرموز فهرست نویسی دست از سرم بر نداشته، بلکه مرا از دیرباز به ادامه آن سوق داده و می دهد. پس از تدوین فهرستهای نسخه های خطی دانشکده الهیات و معارف اسلامی و فهرست نسخه های خطی کتابخانه ملی ملک انگیزه ای پیدا با انگیزه ناپیدای پیشین انس برقرار کرد و از سال ۱۳۴۷ ه. ش در مقام تمهید مقدمات تدوین فهرست موضوعی نسخه های خطی کتابخانه های جمهوری اسلامی ایران، شبانه روز چه در سفر و چه در حضر به نگارش و تهیه فیشهای مربوط به آن تا حدود ده سال مساعی خود را به کار گرفتم که محصول آن دهها هزار فیش مخطوطات عربی بود که قریب ده سال در میان جعبه های چوبین فرودگاه گردوغباری بود که گاهی در معرض رؤیتم قرار می گرفت. همواره فسرده خاطر می شدم و از اینکه بتوانم روزی و روزگاری به تدوین آنها برخیزم احساس یأس و نومیدی می کردم.

انگیزه آشکار تهیه این فیشها - چنانکه به تفصیل در مجلد نخست «فهرست موضوعی ...» گزارش کردم - این بود که می خواستم مجموعه ای از میراث اسلامی را به گونه ای سامان یافته، فراهم آورم که در میان آنها آثار فراوانی از علمای شیعه وجود دارد. اگر معرفی این میراث اسلامی که کتابخانه های جمهوری اسلامی ایران سرشار از آنهاست، به گونه ای انجام گیرد که دستیابی به آنها سهل و هموار گردد، دنیای اسلام و به ویژه اسلام شناسان را مطبوع افتد و درمی یابند که علمای پیشین شیعه می توانند از رهگذر آثار به جای مانده خود در شناخت اسلام به مدد علاقه مندان به شناخت فرهنگ و تعالیم اهل البیت - علیهم السلام - آمده و شناخت اسلام را صرفاً از رهگذر مطالعه و بررسی آثار مکاتب و دیگر مذاهب اسلامی محدود و گرفتار تنگنا نبینند.

آری این فیشها مجموعاً از سال ۱۳۵۷ ه. ش که تهیه آنها به پایان رسیده بود، به علت اشتغال به تألیف و ترجمه کتب دیگر تا سال ۱۳۶۶ ه. ش از خاک تغذیه می کرد تا سرانجام به پایمردی دانشوری مخلص و بیریا جناب آقای علیمحمدی سرپرست محترم سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی - حفظه الله تعالی - فیشهای یادشده به سازمان مذکور منتقل شد. تا سال ۱۳۶۹ ه. ش فیشهای

در معیت فهرست نویس دیگری به تهیه و تدوین فهرست نسخه های خطی کتابخانه ملی ملک، وابسته به آستان قدس رضوی دعوت شدم و با تمایلی شدید که از انگیزه ناشناخته ای در درونم مایه می گرفت، تقریباً برای همه نسخه های خطی عربی و مجموعه های این کتابخانه فهرستی تهیه کردم. اکثر این مجموعه ها عربی بود و گاه رساله های فارسی نیز در لابه لای آنها وجود داشت که تدوین آنها بر عهده اینجانب بود. با اینکه این فهرست به چاپ رسید نمی دانم تاکنون چند مجلد آن به طبع رسیده است؛ چون این فهرستها را هنوز در اختیار من نگذاردند. تنها پنج مجلد آن را در یکی از کتابخانه ها رؤیت کردم و مشخصات آنها را در مجلد اول «فهرست موضوعی نسخه های خطی عربی کتابخانه های جمهوری اسلامی ایران» یا «کشاف الفهارس» آورده ام. بنابراین انگیزه و اشتها، شرط عمده فهرست نگاری نیست؛ بلکه باید بدان نزدیک شد و با آن خو گرفت و با آن انس برقرار کرد.

هرگز فراموش نمی کنم در سال ۱۳۵۰ ه. ش برای دیدار و صلۀ رحم و ابستگان نسبی و سببی از تهران، عازم شهرستان بابل شدم، میان راه آمل تا بابل اتومبیلم دچار سانحه و تصادف شدید شد و واژگون گردید و هر چند جان سالم از آن به در بردم، اما صدمات بدنی این سانحه تا مدتها ما را رنج می داد. در تمام سفرها برای تهیه فیشهای نسخه های خطی، فهرستهایی را با خود همراه داشتم؛ یعنی در سفرها نیز از تهیه و تمهید فهرست جامع نسخه های خطی از پای نمی نشستم. پس از سانحه مذکور که سخت آسیب دیده بودم، به برادرانم که از بابل به محل سانحه آمده بودند، یادآور شدم از خیر اتومبیل و محتوای صندوق و درون آن گذشتم، فیشهایی که در گل و لای خندق پراکنده و آلوده شده است، با دقت جمع آوری کنید که برای من پرارزشترین کالایی است که از صندوق اتومبیل به بیرون ریخته شده است. آنها درخواست مرا اجابت کرده و این اوراق را که برخی از آنها در میان گل و لای جاگرفته بود، بیرون کشیدند.

کرد و کتابها و مؤلفاتی را که از خود به یادگار گذاشته‌اند، بهترین سرمایه‌ای است که می‌توان مبانی علمی اصیل را در آنها یافت. لذا به کار تحقیق کتابهای چندی پرداختم و به گونه‌ای که امکانات اجازه می‌داد در عراق و ایران و بیروت به چاپ و نشر آنها اقدام شد که در حال حاضر مورد استفاده همگان قرار گرفته‌اند.

پس از اندک زمانی که به تحقیق کتب اشتغال ورزیدم، انگیزه کار کلیدی برای محققین و دست‌اندرکاران این فن در من زنده شد. دریافتم که معرفی کتابهای خطی نهفته در کتابخانه‌های عمومی و خصوصی نخستین گام در خدمت به عالم علم است و چنانچه محققین به نسخه‌های خطی ارزنده، دست نیابند کارشان ناقص و کوشش آنان نافرجام خواهد بود، و البته این موضوع انجام نخواهد گرفت مگر با معرفی نسخه‌های مختلف و شناساندن ذخایری که در گوشه و کنار کتابخانه‌های کشورهای اسلامی و غیراسلامی آرمیده است.

به دنبال این آرمان، به کار فهرست‌نگاری پرداختم و از کتابخانه‌های عراق و ایران و حجاز و سوریه و یمن و انگلستان بازدید کرده و بقدر توان و فرصت از نسخه‌های عربی این کتابخانه‌ها فیش برداری کردم و ضمن مجموعه بزرگی به نام «دلیل المخطوطات» به روش خاصی آنها را تنظیم کردم چندی پیش جلد اول آن به چاپ رسید و بقیه چاپ نشده است.

در این جا لازم می‌دانم که این نکته را یادآوری کنم: هنگام آغاز کار، این گونه کوششها در حوزه‌های علمی مرسوم نبود و جز علامه بزرگوار حاج شیخ آقابزرگ طهرانی کسی بدین فن نمی‌پرداخت. بلکه اشتغال به کتابشناسی و فهرست‌نگاری دون شأن علما بود و بدین جهت گهگاهی مورد مسخره و استهزا قرار می‌گرفتم و مرا نکوهش می‌کردند که: این هم شد کار!! ... ولی احساس نیاز مرا بیش از پیش به جدیت وامی‌داشت تا در این راه چشم چپ خود را تقریباً از دست دادم و هنوز تا بتوانم به کار

فراوان دیگری بر آنها افزوده گشت و به ترتیب آنها (از لحاظ موضوع و حروف هجای نام کتب و تاریخ تحریر) توفیق یافتیم و از همین سال به تحقیق و تدوین آنها آغاز کردیم و تاکنون یک مجلد آن در «قرائت و تجوید» توسط سازمان مذکور طبع و منتشر شده و حروف چینی دو مجلد دیگر آن که درباره کتب و رساله‌ها و نسخه‌های تفسیر است، به اتمام رسیده و هم اکنون که این وجیزه را می‌نگارم در دست مقابله و تصحیح قرار دارد. بخش مربوط به «علوم راجعه به قرآن» نیز که مجلد چهارم یا پنجم فهرست را تشکیل می‌دهد در انتظار چاپ بر سر می‌برد، چون این بخش نیز به پایان رسیده است.

به هر حال نتوانستم نخستین انگیزه‌ام را در روی آوردن به فهرست‌نگاری تبیین و تحلیل کنم؛ اما نگارش فهرست موضوعی، انگیزه‌ای گفتمنی و نیز چشیدنی داشت و هنوز هم این انگیزه، بیدار و تحرك برانگیز و فعال است و عمده اوقات فراغت را در اختیار خود گرفته و همواره مرا در نگرانی ادامه کار فهرست‌نگاری مشغول می‌سازد.

بهر حال فهرستهایی که نگاشته‌ام بدین قرار است:

۱- فهرست نسخه‌های خطی و عکسی کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی، ۲ جلد.

۲- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ملک با همکاری آقای احمد منزوی.

۳- فهرست موضوعی نسخه‌های خطی عربی ایران یک جلد از آن نشر یافته است*

حسینی اشکوری:

پس از گذراندن دوره تحصیلی مرسوم در حوزه‌های علمی و بهره‌گرفتن بهره‌مقدار لازم از علوم قدیمه در حوزه کهنسال نجف اشرف، برای یافتن کار صحیح مثبتی که بدان نیاز باشد، بیش از یک سال به اندیشه و تفکر نشستم و کارهای مختلفی را ارزیابی کردم و روش هر کدام را مطالعه و بررسی کردم و بالاخره به این نتیجه رسیدم که ریشه هر کار علمی را در آثار قدما باید جستجو

* فهرست آثار و شرح حال استاد دکتر محمدباقر حجتی در شماره اول سال اول مجله آینه پژوهش ص ۵۱ به بعد به تفصیل آمده است. از دیگر آثار ایشان طرح ارجمند فهرست موضوعی نسخه‌های خطی عربی کتابخانه‌های ایران که ۱۰ مجلد افزون خواهد شد.

ادامه می‌دهم. با درخواست توفیق از درگاه الهی و دعا از دوستان عزیز. آثار چاپ شده اینجانب بقرار ذیل است

*** فهرستها:**

- ۱- فهرست مخطوطات خزانه الروضة الحیدریة. چاپ نجف ۱۳۹۱ هـ.ق.
- ۲- فهرست مخطوطات الرشتی المهداة الی مکتبه الامام الحکیم. چاپ نجف ۱۳۹۱.
- ۳- دلیل المخطوطات. چاپ قم ۱۳۹۷ هـ.ق جلد اول.
- ۴- فهرست نسخه های خطی کتابخانه آیه الله مرعشی. چاپ قم در بیست و چهار جلد.
- ۵- فهرست نسخه های کتابخانه آیه الله گلپایگانی. چاپ قم ۱۳۵۷ ش جلد اول.
- ۶- مؤلفات الزیدیه. چاپ قم ۱۴۱۳ هـ.ق در سه جلد.
- ۷- التراث العربی فی مکتبه آیه الله المرعشی. چاپ قم ۱۴۱۴ در شش جلد.
- ۸- فهرست کتابخانه عمومی الامام الهادی علیه السلام. زیر چاپ است.

*** مؤلفات در موضوعات دیگر**

- ۱- اجازات الحدیث علامه مجلسی. چاپ قم ۱۴۱۰ هـ.ق.
 - ۲- الامام الحکیم. چاپ نجف ۱۳۸۴.
 - ۳- الامام الثائر. چاپ نجف ۱۳۸۶.
 - ۴- الامام الشاهرودی. چاپ نجف بدون تاریخ.
 - ۵- تراجم الرجال. چاپ قم ۱۴۰۴ و ۱۴۱۴ در دو جلد.
 - ۶- تلامذة العلامة المجلسی. چاپ قم ۱۴۱۰.
 - ۷- حیاة الشریف المرتضی. چاپ نجف ۱۳۸۵.
 - ۸- السیدة سکینه بنت علی علیه السلام. چاپ قم ۱۴۱۲.
- * تحقیق و تصحیح:**
- کتابهایی که بتحقیق این جانب چاپ شده:
- ۱- اطائب الکلم، شیخ حسن کرکی عاملی. چاپ قم ۱۳۹۴ هـ.ق.
 - ۲- الامام الحسین و اصحابه، شیخ فضل علی قزوینی. چاپ قم ۱۴۱۵ جلد اول.
 - ۳- أمل الآمل، شیخ حر عاملی. چاپ نجف ۱۳۸۵ در دو جلد و در ایران و بیروت نیز چاپ شده.
 - ۴- تبصرة المتعلمین، علامه حلی. چاپ قم بدون تاریخ و در تهران و بیروت مکرر چاپ شده.
 - ۵- تنمیه أمل الآمل، شیخ عبدالنبی قزوینی. چاپ قم ۱۴۰۷.

- ۶- تسلیة الفؤاد سید عبدالله شبر. چاپ قم ۱۳۹۳.
- ۷- تعلیقة أمل الآمل، میرزا عبدالله افندی. چاپ قم ۱۴۱۰.
- ۸- تکملة أمل الآمل، سید حسن صدر. چاپ قم ۱۴۰۶ و بیروت ۱۴۰۷.
- ۹- جمل العلم والعمل، شریف مرتضی. چاپ نجف ۱۳۸۷.
- ۱۰- دیوان ابی المجد، شیخ محمدرضا نجفی. چاپ قم ۱۴۰۸.
- ۱۱- الذخیره فی علم الکلام، شریف مرتضی. قم ۱۴۱۱.
- ۱۲- الذریعة، چاپ مشهد ۱۴۰۵ جلد ۶، و در بیروت نیز چاپ شده.
- ۱۳- رجال الکشی، چاپ نجف بدون تاریخ.
- ۱۴- رسائل الشریف المرتضی. چاپ نجف ۱۳۸۶ مجموعه اول.
- ۱۵- ریاض العلماء، میرزا عبدالله افندی. چاپ قم ۱۴۰۱ در شش جلد و هفتم زیر چاپ است.
- ۱۶- ضیافة الاخوان، آقارضی قزوینی. چاپ قم ۱۳۹۷.
- ۱۷- فضل زیارة الحسین، شریف شجری. چاپ قم ۱۴۰۳.
- ۱۸- فقه القرآن، قطب راوندی. چاپ قم ۱۴۰۵ در دو جلد.
- ۱۹- فهرست آل بابویه، شیخ سلیمان ماحوزی. چاپ قم ۱۴۰۴.
- ۲۰- قیس من القرآن الکریم، شیخ علی سماکه حلی. چاپ نجف ۱۳۹۱.
- ۲۱- کتاب القضاء، میرزا حبیب الله رشتی. چاپ قم ۱۴۰۱.
- ۲۲- اللب اللباب، شیخ محمدرضا غراوی. چاپ نجف ۱۳۸۸ جلد اول.
- ۲۳- منازل من القرآن فی أهل البيت، حیری. چاپ قم ۱۳۹۵.
- ۲۴- مجمع البحرین، شیخ طریحی. چاپ نجف ۱۳۸۱ در شش جلد و مکرر در بیروت و ایران چاپ شده.
- ۲۵- نزهة الناظر، شیخ یحیی بن سعید حلی. چاپ نجف ۱۳۸۶ و در قم نیز چاپ شده.
- ۲۶- نهج المسترشدین، علامه حلی. چاپ قم بدون تاریخ.
- ۲۷- وصف العلماء، علم الهدی کاشانی. چاپ قم ۱۳۷۴ ش ضمن دفتر دوم «میراث اسلامی ایران».

*

سؤال دوم: شیوه‌های رایج فهرست‌نگاری را توضیح دهید.

استادی:

فهرست‌نگاری صحیح، فقط یک شیوه دارد، اما سلیقه‌های مختلف و شرایط گوناگون که برای فهرست‌نگارها پیش می‌آید، موجب می‌شود که به صورت شیوه‌های متعدد درآید.

شیوه صحیح این است که هر نسخه، کتابشناسی شود تا نام کتاب، موضوع، زبان، مؤلف، مترجم، تاریخ تألیف و یا ترجمه و ...

معلوم گردد، و سپس نسخه‌شناسی گردد و خصوصیات نسخه از قبیل نام کاتب، تاریخ کتابت، مصحح بودن نسخه، نام مصحح، تمام یا ناقص بودن نسخه و ضبط گردد.

اما در عمل، برخی از فهرست‌نگاران به خاطر



شرایط خاصی که هنگام نوشتن فهرست داشته‌اند، از کتابشناسی فقط به نام کتاب و از نسخه‌شناسی هم فقط به کتابت بسنده کرده و در حقیقت فقط لیستی از نام نسخه‌ها تهیه نموده‌اند و یا اگر به این اندازه اکتفا نکرده‌اند، در صدد کتابشناسی و نسخه‌شناسی کامل نیز نبوده‌اند.

برخی از فهرست‌نگاران معتقدند کتابی که قبلاً کتابشناسی شده و در مصادر و فهراس منعکس گردیده، نیاز به کتابشناسی جدید ندارد و از این رو جز در موارد نادر به کتابشناسی نمی‌پردازند، اما خصوصیات کامل هر نسخه را تا هر مقدار لازم و سودمند بدانند، یادداشت می‌کنند حتی مهرهای تملک و کتابخانه و غیره را.

برخی نیز این سلیقه را دارند که هر فهرستی حتماً باید شامل کتابشناسی نیز باشد تا رجوع‌کننده به فهرست، نیازمند رجوع به مصادر قبلی نباشد.

حجتی:

شیوه‌هایی و سبک‌هایی که در فهرست‌نگاری

نسخه‌های خطی کتابخانه‌های جمهوری اسلامی ایران تاکنون متداول بوده از وحدت و یکنواختی در اسلوب برخوردار نبوده‌اند. هر چند در کلیات مربوط به کتابشناسی و نسخه‌شناسی دارای وجوه اشتراك فراوانی بوده‌اند، اما از نظر



تنظیم فهراس، معیارهای گوناگونی را به کار گرفته‌اند: گاهی کتابها و نسخه‌ها را برحسب موضوع ترتیب داده‌اند و زمانی تنها برحسب ترتیب حروف هجا و بدون رعایت معیار موضوعات، فهرستها را تنظیم کرده‌اند. عده‌ای نیز در رعایت این دو معیار سهل‌انگاری کرده و کتابها را برحسب رقم و شماره آنها مد نظر قرار داده و به ترتیب همان شماره‌ها فهرست نسخه‌های خطی را ترتیب داده‌اند، گاهی نسخه‌های فارسی را از عربی جدا و احیاناً خلط کرده‌اند.

گزارش مفصل مربوط به شیوه‌های رایج فهرست‌نگاری را علاقه‌مندان می‌توانند در مقدمه مجلد اول از «فهرست موضوعی نسخه‌های خطی عربی کتابخانه‌های جمهوری اسلامی ایران» (کشاف الفهارس نگارنده) مطالعه کرده و از آن بهره‌جویند.

حسینی اشکوری:

هریک از فهرست‌نگاران شیوه‌ای برای خود اتخاذ کرده‌اند، بلکه بعضی از پرکاران آنها طبق شرایط و امکانات مختلف با سلیقه‌های گوناگونی یادداشتهای خود را تنظیم کرده‌اند. گاهی یک فهرست‌نگار در یک فهرست روش خاصی



نداشت و به چند گونه فهرست را تدوین کرده است. با

کاملاً از یکدیگر جدا باشند تا با نظر اول برای مطالعه گر مشخص باشد و معلومات در هم، او را سرگردان نسازد و بتواند احتیاج خود را در اندک زمان دریابد. برای تأمین این منظور بخش اول با حروف معمولی و اندازه سطرهای معمول کتابها و بخش دوم با حروف ریز و سطرهای کوتاه، حروفچینی می شود.

۱- کتابشناسی:

در این بخش این معلومات به ترتیب یاد می شود: نام کامل کتاب، موضوع، زبان، نام کامل مؤلف با تاریخ

در نظر گرفتن این نکات روشها را در این چهار نمونه خلاصه می کنیم:

۱- گسترده بودن کتابشناسی و بحث مفصل پیرامون مؤلف و گاهی آوردن مطالب و معلوماتی که مربوط به کتابشناسی نیست. این کار جز پهناور شدن کار و ضخیم شدن مجلدات فهرست و سردرگم کردن مراجعین نمی تواند ثمره ای داشته باشد. یکی از نمونه های این روش، فهرست کتابخانه آقای مشکوة در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران است.

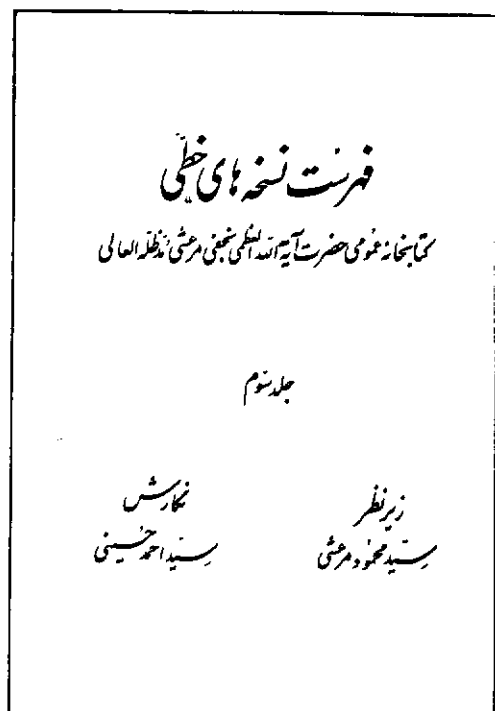
۲- فشردگی و گویا نبودن کتابشناسی کتابها و فنی نبودن نسخه شناسی آنها. بعضی از آقایان فهرست نگار به خاطر نداشتن وقت کافی و اینکه خواسته اند در بازدید از کتابخانه مقاله ای نویسند و نشر دهند، یادداشتهای پراکنده ای تهیه کرده اند که حتی حوصله بررسی مجدد آنها را نداشته و به دست ناشرین سپرده اند، به شکلی که مراجعه کننده نمی تواند از آنها استفاده صحیح کند. بعضی از مقاله های (نسخه های خطی) نشر کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران از این گونه است.

۳- فیش نگاری. برخی از فهرست نگاران فیش هایی را که برای نسخه های خطی کتابخانه تهیه می شود، به نام فهرست در اختیار مطالعه کنندگان قرار می دهند. بیشتر فهرستهای کشورهای عربی در حال حاضر این روش را پیش گرفته و کار را بر خود آسان و سریع کرده اند.

۴- بیشتر اروپاییان به نسخه های خطی به چشم عتیقه می نگرند و در فهرستهای خود به این جنبه اهمیت می دهند و به کتابشناسی صحیح نمی پردازند، حتی اگر نسخه خطی، قطعه ای از کتابی باشد، چه مقدار بودن آن را تعیین نمی کنند. برای نمونه می توان فهرست کتابخانه چستر بیٹی را در ایرلند ذکر کرد.

این جانب، پس از دقت در فهرستهای تهیه شده در کشورهای مختلف و بررسی کارهای گوناگون فهرست نگاران و سنجیدن احتیاجات محققینی که با نسخه های خطی سروکار دارند، روش خاصی را به کار بسته ام که آن را بطور خلاصه در اینجا تذکر می دهم:

هر کتابی در دو بخش باید شناسانده شود: کتابشناسی و نسخه شناسی. هریک از این دو بخش باید



در گذشت یا تعیین عصر وی، هدف و روش کار در کتاب، امتیازات مخصوص اگر کتاب دارای امتیازی باشد، ابواب و فصول و تقسیم بندی مطالب مورد نظر، نام شخصی که کتاب برای او تألیف شده، تاریخ تألیف و محل آن، آغاز و انجام کتاب.

در این بخش اگر آغاز یا انجام کتاب افتاده باشد با تذکر به این جهت، آغاز یا انجام آنچه موجود است آورده می شود تا مقدار افتادگی از نسخه مشخص باشد. همچنین اگر در گذشته کتاب معرفی شده باشد بدانجا ارجاع داده می شود تا از تکرار غیر لازم اجتناب شود.

۲- نسخه‌شناسی:

در این قسمت این مطالب یادداشت می‌شود: نوع خط، نام کاتب نسخه، تاریخ و محل کتابت، نام کسی که کتاب برای وی نوشته شده است، تشخیص نوع عناوین، جدول بندی صفحه‌ها یا زرفشانی یا سرلوح یا مینیاتور و کارهای تزینی دیگر، تصحیح و حاشیه‌نویسی و مقابله اگر کتاب مقابله شده باشد، بلاغ در نسخه یا اجازه و نام اجازه دهنده و اجازه گیرنده و تاریخ آن، نام مالکین نسخه و مهرهای آن و تاریخ تملکها، وضع کاغذ یا جلد نسخه اگر آسیب دیده باشد یا دارای امتیاز باشد، شماره برگها، شماره سطرها، عرض و طول برگها به سانتیمتر.

در تمام مشخصات این دو بخش باید فهرست نگار اختصار را رعایت کند و از گفتگوهای غیر لازم و عبارت پردازی و فضل‌نمایی اجتناب نماید و اگر احیاناً توجه به مطلبی را ضروری دید، در پانوشت صفحه‌ها تذکر دهد تا کار بهره‌برداری از فهرست را برای همگان آسان سازد.

این روشی است که در فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیت الله مرعشی. (تابه حال بیست و چهار جلد آن چاپ شده)، انجام داده‌ام و مورد تأیید بیشتر اهل فن قرار گرفته و اخیراً چند فهرست نگار از آن پیروی کرده‌اند. این روش در عین اختصار، جامع معلوماتی است که پیرامون هر کتابی باید در فهرست منعکس گردد تا بتوان از آن بهره‌وافی برد.

در فهرست بعضی کتابخانه‌ها که به نظرم تفصیل لازم نبود، به بخش کتابشناسی بدان گونه که ذکر شد، نپرداخته‌ام، بلکه کتابهایی که در منابع دیگر معرفی شده بدانجا ارجاع داده‌ام و کتابهای معرفی نشده را با همان روش معرفی می‌کنم. این روش را در جلد اول فهرست کتابخانه آیت الله گلپایگانی معمول داشته‌ام.

*

سؤال سوم: نقاط ضعف فهرست‌های موجود چیست؟

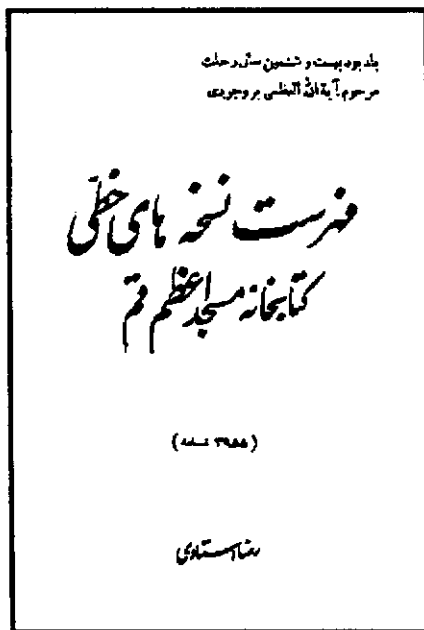
استادی:

۱- در غالب فهرست‌ها قسمتی از نسخه‌ها ناشناخته مانده و مبهم معرفی شده است.

۲- تعدادی از فهرست‌ها، از فهارس لازم مانند فهرست اعلام و غیره خالی است و از این رو استفاده از آنها احیاناً نیاز به تورق همه کتاب و صرف وقت زیاد دارد.

۳- بیشتر فهرست‌ها خالی از اشتباه یا اشتباهات نیست و اصولاً فهرست‌نگاری از کارهایی است که هر چه در آن دقت شود، باز غالباً خالی از اشتباه نخواهد بود.

امام کتابشناسان شیعه، حضرت علامه تهرانی - رضوان الله تعالی علیه - که پنجاه سال کار با دقت در مورد الذریعه انجام داده، در عین حال گاه دچار اشتباهاتی شده که دیگران یادآوری کرده‌اند و معروف است: آنجا که عقاب پر بریزد/ از پشه لاغری چه خیزد



حجتی:

برخی از نقاط قوت و ضعف فهرست‌ها را بدین سان می‌توان گزارش کرد:

۱. مسامحه در معرفی کتابها و نسخه‌ها که غالباً از سراسیمگی و شتابزدگی ناشی می‌شود و هیچ سودی را عائد علاقه‌مندان نمی‌سازد. نه قطع کتاب و نه نام کتاب و نه مؤلف و نه زمان تألیف و نه موضوع کتاب و نه آغاز و انجام و عباراتی از نسخه و بسیاری از نکات بر اثر تسامح در معرفی نسخه‌ها مورد غفلت واقع شده و بخش نسبتاً زیادی از کتابهای فهرست شده، مفید هیچ فایده‌ای نیست. به گونه‌ای که اگر بسیاری از نسخه‌ها را یاد

می خورد و آنگاه که با اجمال و ابهامی در نسخه مواجه می شود، هیهات هیهات لما توعدن وار، وسعت اطلاعات! خود را در فهرست خاطر نشان کرده است.

با دوره ای از مجلدات فهرست یکی از کتابخانه ها سروکار پیدا کردم که تقریباً تمام توصیفهای فهرست نگار در اکثر این مجلدات چه درباره مؤلف و چه راجع به کتاب و نسخه - طی مدح و ستایشها - ارزیابیهای فهرست نگار از همه مؤلفان و مؤلفات تقریباً یکنواخت می نماید، گویا همه مؤلفان و آثار آنها یک تن بوده و اکثر آنها در رده بالایی از علوم و فنون قرار دارند.

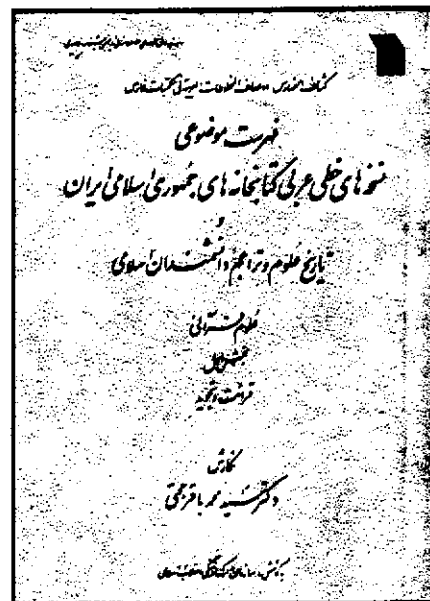
در مجلد اول فهرست آستان قدس رضوی تجدید نظری شد که از نظر نسخه شناسی و ذکر آغاز و انجام و تعیین ارقام و اعداد در خور تقدیر است؛ اما در کتابشناسی این مجلد، غالباً وضع به همان حال است که در چاپ نخست آن دیده می شود و در بازنگری آن، تسامح و دریغ در بدل و سع و توان کاملاً مشهور است.

ذکر این نکته را نباید به عنوان خرده ای بر بازنگر آن تلقی کرد؛ بلکه تذکری است که برای بازآوردن کار به کمال مطلوب یاد کردیم.

نقاط قوت فهرست کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی - حشره الله مع اجداده الطاهرین - را نباید از نظر دور داشت. بر فهرست نگاران است که راه و رسم فهرست نگار این کتابخانه را در پیش گرفته و از یادکردن نکاتی که مربوط به نسخه است و آنرا نفیس و یا خسیس می نماید، غفلت نورزند و گرفتار تطویل بلاطائل و یا تسامح در ذکر مسائل ضروری نگردند.

حسینی اشکوری:

فهرست نسخه های خطی باید در جهت معرفی کتابهای موجود در کتابخانه ها باشد و فهرست نگار باید این منظور را با دقت و سلیقه و روشنی انجام دهد تا برای پژوهشگران راهنما و راه گشا باشد و آنان را با سرعت و وضوح به مقصود اصلی و مورد نظرشان رساند و در شناخت کتاب و نسخه ای که بدان نیاز دارند نقطه ابهامی نماند. پس هرچه این منظور را به خوبی تأمین کند، نقطه قوت و آنچه از این رهگذر دور شود نقطه ضعف خواهد بود. دادن شماره های متعدد به یک کتاب، آوردن مطالب



نمی کردند، هیچ زبانی به هم نمی رسانده اند: «و ذکره و حذفه سیان»

۲. سبکهای پریشان و شماره های گیج کننده و هفوات و لغزشهایی که ریشه در عدم دقت و سهل انگاری دارد.

۳. چاپهای نامرغوب و عدم اعمال سلیقه در صفحه آرایی و عناوین مختلف کتابشناسی و نسخه شناسی.

۴. عدم ذکر آغاز و انجام بسیاری از نسخه هایی که در دیباچه آنها از مؤلف و نام کتاب ذکری به میان نیامده است و یا عدم ذکر بخشهایی کوتاه از نوشته های نسخه هایی که برگهایی از آغاز و انجام آنها افتاده است.

باید یادآور شد که این نقاط ضعف و یا قوت، شامل همه فهرستها نیست؛ بلکه مربوط به فهرستهایی است که در دوره های اخیر نگارش یافته، آن هم شماری از آنها که شتابزده و بدون فرصت کافی تدوین شده و مآلاً گرفتار نقطه ضعفهای یاد شده اند. فهرست نگاری گاه به صوت تطفلی در کنار بسیاری از اشتغالات فهرست نگار صورت پذیرفته است و گاه چون فهرست نگار در کتابشناسی طرفی نیست و از اطلاعات مناسب بهره ای نداشته و با تراجم اعلام و برجستگان علم و دانش و آثار و مصنفات آنها سروکاری حرفه ای نداشته، فهرست یا فهرستهایی فراهم آورده که توضیح و اصحات در آن فراوان به چشم

زاید و گفتگو در آنها، به بحث نشستن با مؤلف کتاب پیرامون نظرات علمی و غیر علمی وی، پرداختن به شرح حال مؤلفین، مخصوصاً آنها که مشهورند، آوردن آغاز و انجام چند سطری و گاهی یک صفحه‌ای، درهم ریختن کتابشناسی و نسخه‌شناسی ... تمام اینها نقطه ضعف و اجتناب از اینها می‌تواند نقطه قوت باشد.

*

سؤال چهارم: چه پیشنهادی برای ادامه کار فهرست‌نویسی دارید؟
استادی:

توصیه اینجانب به دانشجویانی که به این رشته علاقه دارند و می‌خواهند در این زمینه کار کنند و حاضرند وقت صرف کنند، این است که اگر یک مجموعه پانصد نسخه‌ای مثلاً برای فهرست شدن در اختیارشان قرار گرفت:

اولاً تمام نسخه‌ها را به این منظور بررسی کنند که آیا نسخه شناخته نشده‌ای در میان آنها هست یا نه؟ و اگر هست قبل از هر کار آن نسخه یا نسخه‌ها را شناسایی کنند نه مثل بنده و برخی همکاران در فهرست بنویسند: «کتابی در کلام» اول و آخرش افتاده، تحریر سده ۱۲. این کار در شرایط خاصی که برای برخی از فهرست نگاران بوده، ممکن است قابل قبول باشد، اما فهرست نگار فارغ‌البال گاهی لازم است دو سه روز بلکه گاهی یک هفته وقت صرف یک نسخه کند تا با مطالعه و مقایسه و غیره نسخه را به صورت کامل یا نسبی شناسایی کند.

ثانیاً نسخه‌های شناخته شده را به اجمال بررسی کند که آیا درست شناسایی و معرفی شده یا نه؟ زیرا بسیار اتفاق افتاده که کتابی به نام کتاب دیگر خوانده شده؛ مثلاً امالی شیخ صدوق بوده اما روی برگ اول نسخه نوشته: امالی شیخ طوسی؛ فهرست نگار نیز بی توجه به عدم صحت این شناسنامه، کتاب را به نام غیر صحیح معرفی کرده است.

ثالثاً همه مجموعه‌ها را فهرست، و به صورت الفبا تنظیم کرده و مکررات آنها را برای اطمینان بیشتر با هم مقایسه کنند و به ترتیب تاریخ کتابت پشت سرهم قرار دهند.

رابعاً در بخش نسخه‌شناسی تمام مطالبی را که گمان می‌رود، می‌توانند برای شناساندن نسخه سودمند باشد یادداشت کنند.

خامساً از یادداشت مطالب پراکنده‌ای که غالباً در

آغاز و انجام نسخه‌ها، و احیاناً در جاهای دیگر نسخه هست، غفلت نکنند زیرا آن یادداشتها در ابعاد گوناگون می‌تواند راهگشا و بلکه مشکل‌گشا باشد؛ مثلاً توجه به یک یادداشت تاریخ تولد و وفات، لااقل عصر مجهول زندگی یک مؤلف را روشن می‌سازد.

پیشنهاد کلی در مورد ادامه کار فهرست‌نویسی: برای اینکه از زحمت و تلاش دهها ساله فهرست‌نویسان، بهتر و بیشتر استفاده شود، لازم است هر چه زودتر بقیه نسخه‌های فهرست نشده - که فکر می‌کنم در ایران بیش از پنجاه هزار نسخه نباشد - فهرست شود تا مطمئن شویم که در ایران نسخه خطی فهرست نشده نداریم. آنگاه دو گروه زیر نظر برخی از فهرست‌نویسان و کتابشناسان سابقه دار تشکیل گردد:

گروه اول کار آقای احمد منزوی در مورد نسخه‌های خطی فارسی را به همان سبک ایشان پیگیری و تکمیل و احیاناً تهذیب و تصحیح کنند.

گروه دوم شبیه کار آقای منزوی را در مورد نسخه‌های عربی انجام دهند.

هنگامی که در عربی و فارسی نسخه‌های هر رشته از علوم مشخص، و به ترتیب تاریخ کتابت منظم گردید، گروههایی تشکیل شود و کار روی نسخه‌های هر رشته را به یک گروه واگذار کنند که با مراجعه به کتابخانه‌ها و مخزنها و دیدن خود نسخه‌ها - نه اکتفا به آنچه در فهرس آمده است - هم از جهت کتابشناسی کاملاً ارزیابی نمایند و هم از جهت نسخه‌شناسی و مزایای نسخه‌ها هر چه بهتر و بیشتر یادداشت بردارند تا هر کتابی که معرفی می‌شود همه نسخه‌های آن با مزایا و خصوصیات که دارند یکجا یاد شود.

اگر این کار انجام شود علاوه بر استفاده‌های معمولی، تاریخ تدوین و سیر علوم و مقدار تأثر بعدیها از قبلیها، تأثر شیعه از سنی و بالعکس و ... روشن و به همه علوم خدمت شایانی می‌شود.

به نظر می‌رسد لازم است گروهی که برای فهرست

شده و پس از گذشت بیش از ده سال، تنها یک جلد از آن شامل مثلاً چهارصد کتاب آماده نشر شده است. این طول و تفصیلهای هر علتی باشد فرصت‌ها را از ما می‌گیرد. از این رو مخارج و هزینه‌ها فراوان می‌شود، بازده کم و غیرمعلوم. می‌گویند آقای احمد منزوی کار نسخه‌های فارسی را یک تنه انجام داده است، معلوم می‌شود باید کار را جدی گرفت و وقت صرف کرد تا به جایی رسید.

حجتی:

* باید فهرست نویسان را ماده و معنی آرج نهاد و کار آنان را با توجه به فواید و نتایج مهمی که نصیب محققان می‌سازد، مورد تقدیر قرار دارد و فرصتی را که در این راه مصروف می‌دارند، از هر جهت مهم و باارزش تلقی کرد و موجبات شوق و دلگرمی آنان را فراهم آورد. خوشبختانه حتی تا دوره کارشناسی ارشد در دانشگاه تهران به تربیت افرادی همت گمارده شده که در مورد نسخه‌های خطی به صورت نیروهای فعال و کاردان به امر فهرست‌نگاری روی خواهند آورد.

پیشنهادهایی که می‌توان - با توجه به کیفیت کوششهایی که در فهرست‌نگاری مشهود است و نیز با عنایت به این نکته که برای بسیاری از نسخه‌های خطی کتابخانه‌های عمومی و شخصی فهرست تهیه نشده است - ارائه کرد، به شرحی است که از این پس گزارش می‌شود:

* افرادی کتاب‌شناس و نیز نسخه‌شناس فاضل و متخصص تربیت شوند و مجالی واسع و فرصتی گسترده توأم با تشویق‌های مادی و معنوی در اختیار آنان قرار گیرد تا نسخه‌های بسیار زیادی که از دهها هزار نسخه فراتر است و در فهرست‌های موجود، ناشناخته و آمیخته به ابهام ارائه شده‌اند، شناسایی کنند. بی‌تردید از این طریق نسخه‌هایی منحصر به فرد و یا نسخه‌هایی متعدد نفیس از کتابها برای محققان چهره گشوده و با آنها - که تاکنون بدانها آگاه نبوده‌اند - آشنا گردند.

* با تشکیل جلسات متعددی از فهرست‌نویسان کارآمد، وضع پریشان فهرست‌نگاری - که با سبکها و اسلوب‌های متنوع و سنجیده و فاقد ضوابط و معیارها صورت می‌پذیرد - به سامان رسد؛ و از سوی مرکز قدرتی

نسخه‌های یک رشته از علوم انتخاب می‌شوند، از چند نفر مرکب باشند:

۱- کسی که در کتابشناسی خبره باشد و وقت حوصله داشته باشد که اگر لازم شد کتاب را از آغاز تا انجام بخواند و از لابلاهای آن برای شناخت آن و مؤلفش و ... استفاده کند.

۲- کسی که در قسمت خط و خطاطی و نوع خطوط و تشخیص قدمت و جدید بودن کار کند. در سایه این کار بسیاری از علمای گمنام که نسخه‌هایی را استنساخ کرده‌اند، شناسایی خواهند شد. فرض کنید یک نسخه به خط فضل‌الله است، فهرست‌نویس ابتدا به ذهنش نمی‌آید که او شیخ فضل‌الله شهید باشد اما اگر عنایت به این داشته باشد که شاید او باشد به تحقیق می‌پردازد - که برای بنده همین مورد پیش آمد و متوجه شدم نسخه‌ای از صلاة شیخ انصاری به خط شیخ فضل‌الله نوری است -

۳- کسی که با کارهای هنری آشنایی داشته باشد و از حیث جلد و انواع جلدهای هنری، کاغذ و انواع آن، تذهیب، مینیاتور و ... بتواند اظهار نظر صحیح کند.

۴- کسی که با حوصله فراوان تمام یادداشتهای و مهرها و اشعار و یادگارها و ... را که در سراسر نسخه هست، بخواند و پس از بررسی، آنچه را می‌تواند مورد استفاده باشد، با نظمی خاص یادداشت کند.

۵- کسی که اهل آن رشته خاص از علوم مثلاً فلسفه، منطق، ریاضی، ادبیات، نجوم و ... باشد که با خواندن و مقابله نسخه، مرتبه صحت و مغلوب بودن را ارزیابی کند. این کار نیز خیلی مهم است و از هرکسی ساخته نیست.

البته ممکن است برخی از افراد واجد همه این جهات پنجگانه باشند و به تنهایی کار را انجام دهند، اما هرکس یک جهت را دنبال کند، بهتر است.

به نظر بنده این کارها لازم و شدنی است و باید به عنوان یک پروژه مطرح، و در طول حداکثر ده سال انجام شود؛ نه اینکه بشویم در مورد کتابهای عربی کاری شروع

خوب انجام دادن کار و خوب عرضه شدن آن است. افرادی که امکانات علمی و فنی برای فهرست‌نگاری دارند، باید از جهت مادی به اندازه معقول تأمین شوند و کارهایی که انجام می‌دهند باید با چاپ پاکیزه و فنی عرضه شود تا این آقایان به کار بیشتری تشویق شوند و این فن بدین طریق راه تکامل خود را بیمایند.

در حال حاضر چند فهرست نوشته شده سراغ دارم که مدتی بعضی از فضلا زحمت کشیده و رنج برده‌اند و خستگی سفر و غربت را تحمل کرده‌اند تا این کار را به انجام رسانده‌اند، ولی از ادامه این راه دلسرد شده‌اند، چرا که کارشان چاپ و عرضه نشده و زحمت خود را به هدررفته می‌بینند.

*

سؤال پنجم: چه پیشنهادی برای حفظ نسخه‌های موجود شخصی دارید؟
استادی:

تقاضا دارم تمام کسانی که نسخه‌های خطی - و بخصوص نسخه‌های ممتاز - در اختیار دارند، هرچه زودتر به صورت اهدا یا فروش به یکی از کتابخانه‌های مهم کشور مانند کتابخانه آستان قدس رضوی و کتابخانه آیه‌الله مرعشی منتقل سازند و با این کار دین و وظیفه خود را نسبت به عالم علم ادا کنند و اگر علاقه دارند که آن کتاب را در خانه داشته باشند، می‌توانند از زیراکس و عکس نسخه‌ها به این منظور استفاده کنند.

حجتی:

* قاطعانه خاطر نشان می‌سازد رقم نسخه‌های خطی در کتابخانه‌های شخصی از شمار مجموع مخطوطات کتابخانه‌های عمومی، به مراتب فزونتر است و باید در مقام صیانت و نگاهبانی آنها از هیچ گونه سرمایه‌گذاری مادی و روانی دریغ نورزید. برای رسیدن به این هدف باید از شادهایی از مجرای وسایل ارتباط جمعی اعم از مطبوعات و رادیو و تلویزیون و وعظ و خطابه‌ها به طور سنجیده و حساب شده، صورت گیرد که در خداوندگاران و مالکان کتابخانه‌های شخصی ابهامی پدید نیاید و به صورت بسیار ظریف و لطیف مردم را در جریان امر قرار داده و اهمیت صیانت از آنها را گوشزد کرد، تا به طور

فرهنگی ضوابطی که تصویب و تأیید شده به مراکز مخطوطات اعلام و فهرست‌نگاران را به رعایت آن ضوابط آشنا و ملزم سازند.

* هرچند غالباً اصحاب کتابخانه‌های شخصی رضایت نمی‌دهند نسخه‌هایی که در اختیار دارند شناسایی شوند اما باید این تصور را از فکر و اندیشه آنها بیرون کشید که در مورد نسخه‌های کتابخانه‌هایشان از سوی مراکز قدرت و دولت تصرفی عدوانی و توأم با اجبار صورت نگیرد، و با تدابیری که باید طی شود و جلسات متعددی اتخاذ گردد این ابهام را از فضای ذهنشان پاکیزه ساخت و مآلاً توأم با رضا و میل و رغبت آمادگی یابند تا نسخه‌هایی را که در اختیار دارند از طریق فهرست‌نگاری معرفی شوند.

* فهرست‌نویسان باید در ارتباط با یکدیگر بوده و با تشکیل جلساتی به صورت کنگره و سمینار از کم و کیف کار یکدیگر آگاه گردند و علاوه بر این، سمینارها و یا کنگره‌هایی بین‌المللی نیز تشکیل گردد تا از تخصص و تجارب فهرست‌نویسان ممالک دیگر بهره‌مند شوند. در دو سال پیش سمیناری در ریاط تحت عنوان «سمینار هماهنگی مراکز مخطوطات جهان اسلام» تشکیل شد که مقالات فراوانی در این زمینه از سوی متخصصان ارائه شد. گزارش مربوط به آن را - که توسط نگارنده تدوین شده است - علاقه‌مندان می‌توانند در شماره ۵۵-۵۴ «مجله مقالات و بررسیها» نشریه گروه تحقیقاتی دانشکده الهیات و معارف اسلامی مطالعه کنند.

حسینی اشکوری:

بهترین تشویق برای پیشبرد کارها و مخصوصاً کارهای علمی، در اختیار عموم قرار گرفتن آن کار است به گونه‌ای که مورد پسند و استقبال مردم باشد. هر کاربردازی که ببیند کار او با استقبال اهل نظر رو به رو شده، به کار بیشتری وادار می‌شود و کشش قویتری بین خود و آن کار احساس می‌کند. جلب نظر هم تنها از طریق

طبیعی داوطلب شوند که موجودیهای مخطوطات شخصی را به کانون و مرکز ویژه ای اعلام کنند و با ایجاد تمایل و تشویق آنان، مخطوطات را از آنها با بهایی درخور و دلخواه آنان خریداری کنند و این میراث فرهنگی میهن عزیز اسلامی را از دستبرد دلالان و یغماگران و خریداران حرفه ای - که این گنجینه های گرانبها را به دیار بیگانه رهسپار می سازند - محافظت کنند.

البته با وجود افرادی معلوم الحال - که بسان راهزنانی چیره دست این نسخه ها را شناسایی کرده و با بها و قیمتی که روانشناسانه پیشنهاد می کنند و احیاناً کوهی را به کاهی و یا کاهی را به کوهی خریدارند - ارائه پیشنهاد و رهنمود در این زمینه دشوار می نماید.

باید دست اندرکاران حفظ میراث فرهنگی با شور و تبادل آرا برای حل این مشکل چاره اندیشی کنند. پیشنهادهای انفرادی امثال این بنده ممکن است بر مشکل بیفزاید و مردم را احیاناً برماند. یعنی نه تنها نمی تواند مشکل گشا باشد، بلکه احیاناً ممکن است مشکل را و در دافزا بوده و گره ها را کورتر کند.

صاحبان کتاب را تشویق به فروش آنها کرد تا در مرکزی مخصوص جمع آوری شود و اگر حاضر به فروش نیستند، از طریق عکس نسخه ها را تکثیر کنند تا اگر حادثه ای پیش آمد و نسخه ای از بین رفت، عکس آن را در اختیار باشد و بتوان از آن استفاده کرد.

در شهرستانها و حتی در دهات ایران نسخه های خطی بسیاری در اختیار افراد است و بعضی از آنها ذخایری است بس گرانبها و ارزنده و صاحبان این نسخه ها دانسته یا ندانسته علاقه مفرط به آنها دارند و میل ندارند که آنها را به هیچ وجه از دست بدهند. پس راه معقول این است که از آنها عکس گرفته و به مؤسسه ای سپرده شود که برای این منظور تأسیس می گردد تا همگان بتوانند از چنین کتابهایی اطلاع یابند و بهره گیرند.

*

سؤال ششم: برای حفظ نسخه هایی که وقف برخی از مراکز شد و ابدأ مورد استفاده نیست چه پیشنهادی دارید.

استادی:

می دانیم بخشی از نسخه های هنری مانند قرآن های بسیار ارزشمند در نوع کتابخانه های کوچک مورد استفاده نیست و نمی تواند باشد و نیز وسایل و زمینه این نسخه ها در این کتابخانه به طور کامل وجود ندارد و احیاناً در معرض خطر سرقت و نیز خطر معیوب شدن است.

برای حفظ این میراث بسیار عظیم فرهنگی - اگر از جهت مسأله فقهی شرعی مشکلی نداشته باشد - پیشنهاد می شود هیأتی از کتابشناسان به همه کتابخانه ها سرزنند و نسخه هایی را که تشخیص می دهند باید از آنها مراقبت کامل شود، شناسایی کنند. کل این نسخه ها با اجازه ولی فقیه به عنوان امانت به کتابخانه آستان قدس رضوی منتقل شود و تولید هر کتابخانه و کالتی به سرپرست کتابخانه آستان قدس بدهد که تصرفات او نیز با وکالت از طرف تولید اصلی کتابها باشد. با این کار هم نسخه ها را از آفات و گزندها حفظ کرده ایم و هم جهات شرعی رعایت شده است.

حسینی اشکوری:

چند سال پیش، پیشنهاد کردم که مؤسسه ای برای تهیه عکس از نسخه های خطی ایجاد شود که از جهت علمی و فنی دارای لیاقت چنین کاری باشند. آنجا تأکید کردم که این کار باید از کتابخانه های عمومی و شخصی ایران شروع شود. چون ما دارای ذخایر بسیار ارزنده و پراکنده ای هستیم که دستیابی بر این ذخایر امکان پذیر نیست مگر بدین طریق. می توان با کتابداران روابط دوستانه برقرار کرد و نسخه های آنان را عکس گرفت و در مرکز مؤسسه ای که بدین منظور تأسیس می شود، گرد آورد تا امکان بهره برداری از کتابها برای همه (بدون مشکلات روبرو شدن با صاحبان نسخه ها) میسر باشد.

این پیشنهاد با اینکه مورد تأیید قرار گرفت و مستلزم هزینه های بسیار نبود و می توانست خدمت شایانی در پی داشته باشد، ولی از مرحله گفت و شنود و مذاکره تجاوز نکرد و به فراموشی سپرده شد.

برای حفظ میراثهای اسلامی و نگهبانی از منابع فرهنگی، باز هم تأکید می کنم که باید در مرتبه اول

برای نمونه نسخه‌های هنری بسیار ارزنده در کتابخانه مدرسه مروی تهران در قفسه‌های آهنین حبس شده که در صورت انتقال به کتابخانه آستان قدس لااقل در نمایشگاهها مورد استفاده قرار می‌گیرد و نیز با وسایل جدید نسخه‌ها آفت زدایی می‌شود و همین طور در کتابخانه مسجد اعظم قم و ...

حقیر مدت هاست قصد داشتم نامه‌ای به محضر مبارک مقام معظم رهبری بنویسم و از ایشان تقاضا کنم که در این رابطه اقدامی بفرمایند.

حجتی:

* پیداست در وهله نخست، فتواهای مراجع می‌تواند در مورد نسخه‌های موقوفه‌ای که ابدأ در جایگاهی مورد استفاده قرار نمی‌گیرند، راه‌گشای استفاده از این گنجینه‌های مدفون و میراث عاطل باشد. هرچند تزاحم مصالح و یا تزاحم مفاسد این رخصت را به مجتهد می‌دهد که با توجه به اینکه مفسده معطل ماندن نسخه‌ها از مفسده جابه‌جایی آنها در کانونی مصون و مورد استفاده فزونتر می‌نماید، و یا اینکه نسخه‌های خطی فقط برای قفسه‌ها وقف نشده؛ بلکه برای استفادت و استعانت از آنها در تحقیق از رهگذر وقف، نقل آنها از طریق بیع و شراء حبس و منع شده است. بنابراین مصلحت استفاده از آنها بر مصلحت منع جابه‌جایی آنها در مرکزی قابل استفاده، رجحان می‌یابد. پس می‌توان با چنین استنباطی آنها را در جای مناسب خود جابه‌جا ساخت؟

به‌رحال بهترین تدبیر و پیشنهاد، استمداد از استنباطات مراجع تقلید مقبول و مصوب مردم است. به نظر می‌رسد نباید افرادی امثال این بنده، در این زمینه رأی و فتوایی ابراز کنند؛ بلکه «فاسألوا اهل الذکر ان کتتم لا تعلمون» و «لعلمه الذین یستنبطونه» و باید به اهل آن مراجعه کرد.

به هر صورت عاطل ماندن هر چیزی نکوهیده است، بویژه کتاب که با تدبیر و پیشنهاد متولیان فتوی، می‌توان «تعطیل در وجود» را به تحریک و پویایی و آثار وجودی مبدل ساخت.

حسینی اشکوری:

چون تصرف در وقف در غیر مواردی که برای آنها وقف شده، خالی از اشکال نیست، برای اجتناب از اشکال شرعی بهترین راه حفظ و استفاده از کتابهای این گونه مراکز، همان عکس و تکثیر نسخه است.

*

سؤال هفتم: لطفاً سابقه فهرست نویسی را در جهان اسلام بیان کنید.

حجتی:

* پیشینه فهرست نگاری در جهان اسلام به دوره‌های بسیار دوردست می‌رسد. با قاطعیت می‌توان گفت حدود یکهزار و دویست سال عمر را پشت سر نهاده، چرا که ظاهراً همزمان با خلافت عبدالله بن هارون الرشید معروف به مأمون عباسی (م ۱۸۲ هـ. ق) فهرستی برای کتب کتابخانه منسوب به او، نگاشته شد که این مسکویه رازی در کتاب خود موسوم به «جاویدان خرد» از آن یاد کرده است و این ندیم که خود از نخستین کسانی است که باید او را با تدوین «الفهرست» پیشاهنگ فهرست نویسان دیگر برشمرد، از کتابی یاد می‌کند که گویا از خزانه کتابخانه مأمون عباسی بوده و طی آن فهرستوار، نام کتابهای آسمانی گزارش شده است. شاید بتوان گفت دومین فهرست، همان فهرست کتابخانه «بیت الکتب» صاحب بن عباد (۳۲۶-۳۸۵ هـ. ق) باشد که مقرر آن در ری بود و یکصد و هفده هزار نسخه در آن وجود داشت.

الفهرست این ندیم که در ۳۷۷ هـ. ق تدوین آن به پایان رسید، از جمله فهرستهای کهن است که از ارج و اعتبار فراوانی برخوردار است.

اگر بخواهیم کمی پیشتر بازگردیم، باید یادآور شویم که پیش از اسلام نیز فهرست نویسی دارای پیشینه‌ای بوده است، برای نمونه باید فهرست آثار افلاطون را نام برد که در دوره‌های مختلف توسط علاء رده‌بندی شده بود. چنانکه خود جالینوس برای کتابهای خود دو فهرست تدوین کرد و فهرستی که حنین بن اسحاق نوشته به نام ترجمه‌های سریانی و عربی آثار جالینوس از روی نسخه استانبول در سالهای ۱۹۲۵-۱۹۳۲ م به طبع رسیده است.

بعد از اسلام علاوه بر دو فهرستی که یاد کردیم، کتابهایی به عنوان فهرست یا عناوین دیگر نگارش یافته که ما پاره ای از آنها را یاد می کنیم:

* فهرست کتابخانه فناخسرو بویه (۳۲۸-۳۷۲ هـ. ق) در شیراز. مقدسی (زنده در ۳۷۵ هـ. ق) در احسن التقاسیم می گوید: برای این کتابخانه فهرستهایی شامل نام کتابها، نوشته شده است.

* ابوالعباس احمد بن علی نجاشی (۳۷۲-۴۵۰ هـ. ق) هر چند که مقدم بر شیخ طوسی و حتی از او سالخورده تر بوده (تا آنجا که علامه حلی، شیخ طوسی را از روایان نجاشی بر شمرده است) اما فهرستی که نجاشی تدوین کرد، پس از تألیف فهرست شیخ طوسی صورت پذیرفت؛ در واقع، فهرست نجاشی در مقام تصحیح و تنقیح فهرست شیخ طوسی تألیف شده است.

* ابوجعفر محمد بن حسن طوسی معروف به «شیخ الطائفه» (م ۴۶۰ هـ. ق) کتابی تحت عنوان «الفهرست» نگاشت. او خود در این کتاب یادآور شده که پیش از وی فهرستهای تدوین یافته که گرفتار نقص و کاستی بودند، مگر اثر ابوالحسن احمد بن حسین غضائری که دو فهرست تألیف کرد، یکی درباره مصنفات و دیگری در اصول که کسی آنها را استنساخ نکرد؛ لذا این دو اثر از میان رفت.

* رشید الدین ابو عبدالله محمد بن علی بن شهر آشوب سیروی (۴۸۹-۵۸۸ هـ. ق) در حدود ۵۸۱ هـ. ق کتاب «معالم العلماء» را به عنوان تکمله و تمهیه فهرست شیخ طوسی تألیف کرد و ششصد کتاب بر آن فهرست افزود و تا یکصد و چهل سه تن را بر آن اضافه کرد و به جای آن چهل و سه نفر را از آن کاست.

* ابوالحسن منتجب الدین علی بن ابی القاسم ... بن بابویه رازی (۵۰۴-۶۱۰ هـ. ق) در حدود سالهای ۵۷۳ تا ۵۹۲ هـ. ق کتابی به نام فهرست تدوین کرد احتمالاً این شهر آشوب از آن اطلاعی به هم نرساند. نام اصلی این فهرست «اسماء مشایخ الشیعة و مصنفیهم» است و در آن ترجمه احوال اصحاب اصول و مصنفانی است که پس از شیخ طوسی و با معاصر او بوده اند؛ لکن از آنها در فهرست شیخ طوسی سخنی به میان نیامده است؛ به همین جهت می توان آن را ذیلی بر فهرست شیخ طوسی شمرد.

این فهرست در بخش «اجازات» کتاب بحار الانوار مرحوم مجلسی نیز آمده است.

* علی بن طاووس حلی (۵۸۹-۶۶۴ هـ. ق) دو کتاب فهرست تدوین کرده است:

۱- الابانة فی أسماء كتب الخزانة که طی آن، اسرار کتابها را معرفی کرده و کتابها را در آن شناسانده است.

۲- سعد السعود که آن را به دنباله «الابانة» در ذی القعدة ۶۵۱ هـ. تألیف کرد. ابن طاووس کتابهایی را که خریداری و بر فرزندانش وقف کرد، شناسانده و تعابیری که برگها و کراسه ها و اجزای این کتابها را می شناسانده در آن یاد کرده است، تا اگر از میان بروند از آنها نشانی باقی ماند و چنانچه به سرقت روند و یا نشانه های وقف آنها را از میان بردارند، بتوانند آنها را شناسایی کنند. اگر کسی نخواهد و یا نتواند آنها را رؤیت کند، کاری که او در وصف کتابها به عمل آورده، می تواند برای او سودمند افتد. کتابهایی که ابن طاووس در «سعد السعود» شناسانده عبارتند از: قرآن کریم، تورات، انجیل، تفسیر: التبیان طوسی، جوامع الجامع طبرسی، علی بن ابراهیم قمی، حجام، ابن عقده، امام محمد باقر (علیه السلام)، قصص الانبیاء راوندی و فقه او، الکشاف زمخشری، تفسیرهای جبائی، عبدالجبار همدانی، ابوالقاسم بلخی، کلبی، سلمی (حقاتق التفسیر)، ابن جریج، ابو مسلم محمد بن بحر اصفهانی، اخفش، فراء، ازهری، رمانی، جراح. ابن طاووس کتاب دیگری تحت عنوان «فرج المهموم فی تاریخ علماء النجوم» دارد که آن را در سال ۶۵۰ تألیف کرده و آثار منجمان را در آن نام برده است.

* حسن بن یوسف بن مظهر حلی، معروف به «علامه حلی» (۶۴۸-۷۲۶ هـ. ق) کتاب «خلاصة الاقوال فی معرفة الرجال» را حدود سال ۶۹۳ تألیف کرد و در آن آثار خود و دیگران را بر شمرده است. همچنین در اجازه به مهنا بن سنان درباره نقل و روایت کتابهای خود (در محرم ۷۲۰) پنجاه و چهار کتاب خود را بر اساس اقسام علوم یاد کرده است.

* ابوالحسن علی بن انجب بغدادی (م ۶۷۴ هـ. ق) دو کتاب «اخیار المصنفین» و «اسماء المصنفات» را تدوین کرده است.

* حاجی خلیفه مصطفی بن عبدالله کاتب چلبی قسطنطنینی (۱۰۰۴-۱۰۶۷ ه.ق) کتابهای شخصی خود و کتابهایی که در کتابفروشیهای حلب و کتابخانه‌های عمومی استانبول دیده و یا در کتابهای طبقات و تراجم یافته بود، در کتاب «کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون» معرفی کرده است.

تکمله و ذیلهایی بر کشف الظنون نگاشتند که جامعترین و بهترین آنها کتاب «ایضاح المکنون فی الذیل علی کشف الظنون» از اسماعیل پاشا بن محمد امین بن میرسلیم بایانی بغدادی (م ۱۳۳۹ ه.ق) است که حدود سی سال برای فراهم آوردن این فهرست کوشش کرد و مبعرفی نوزده هزار کتاب را برشمار کتابهای «کشف الظنون» افزود. اسماعیل پاشا خود تألیف کتاب دیگری را در تکمیل کار چلبی، تحت عنوان «هدیه العارفین، اسماء المؤلفین و آثار المصنفین» را مدون ساخت و علاوه بر معرفی علما از آغاز اسلام تا روزگار خویش، آثار و مؤلفات آنها را طی ترجمه احوال آنان یاد کرده است.

* محمد بن حسن معروف به «شیخ حر عاملی (م ۱۱۰۴ ه.ق) کتاب «امل الأمل» را در سال ۱۰۹۷ ه. به پایان رسانده، و در آن کتابهایی را که بدانها استناد جسته و از آنها بهره برده، یاد کرده و در قسمت آخر کتاب، بسیاری از آثار و مؤلفات شیعه را بررسی کرده است.

* محمد باقر بن محمد تقی، معروف به «مجلسی دوم» (۱۰۳۷-۱۱۱۰ ه.ق) علاوه بر یاد کردن کتابهایی که از آنها در تدوین «بحار الانوار» بهره برده، در مجلدات آخر آن اجازه‌های علمای شیعه را آورده که می‌تواند مستندی برای فهرست کتابها باشد.

* شیخ سلیمان بن شیخ عبدالله بحرانی ماحوزی (۱۰۷۵ ه.ق) شرحی بر فهرست شیخ طوسی به نام «معراج الکمال الی معرفة الرجال» نگاشت.

* شیخ یوسف بحرانی (م ۱۱۸۶ ه.ق) در لؤلؤة البحرين «لؤلؤتی البحرين» که طرق سند روایت و اجازه خود را در آن یاد کرده، ترجمه احوال علما و آثار و مؤلفات آنان را نیز برشمرده است. وی این کتاب را در (ع ۱۱۸۲/ ه.ق) به پایان برده است.

* سید اعجاز حسین نیشابوری کنتوری (۱۲۴۰-۱۲۸۶ ه.ق) کتاب «کشف الحجب و الأستار

عن أسماء الکتب و الاسفار» را نگاشت که در ۱۴۰۹ ه.ق، توسط کتابخانه عمومی مرحوم آیت الله العظمی مرعشی نجفی-قدس سره الشریف- چاپ نخست آن به صورت افست تجدید گردید، و آن مرحوم مقدمه‌ای بر آن نگاشت که ترجمه احوال و آثار اعجاز حسین در آن آمده و طی این کتاب، آثار و مؤلفات شیعه گاهی به صورت فشرده و گاهی به گونه‌ای مبسوط معرفی شده‌اند.

* حاج میرزا حسین نوری معروف به «محدث نوری» (۱۲۵۴-۱۳۲۰ ه.ق) در مجلد پایانی کتاب «مستدرک تفصیل و سائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة» شیخ حر عاملی، راجع به بسیاری از کتب بحث و گفتگو کرده است.

* علی بن موسی بن محمد شفیع، معروف به «ثقة الاسلام تبریزی» (۱۲۷۷-۱۳۳۰ ه.ق) «مرآة الکتب» را در همین زمینه فراهم آورد و تا آنجا که اطلاع یافتم در چهار مجلد طبع و منتشر شده است.

* مرحوم سید احمد حسینی خوانساری، معروف به «صفائی» (۱۲۹۲-۱۳۵۹ ه.ق) کتاب، «کشف الأستار عن وجه الکتب و الاسفار» را نگاشت و سه مجلد آن را که نگارنده در اختیار دارد، توسط «مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث» به طبع رسیده است.

* علامه حاج شیخ آقا بزرگ تهرانی (۱۳۸۹ ه.ق) کتاب گسترده «الذریعة الی تصانیف الشیعة» را در بیست و پنج مجلد تألیف کرد که بارها طبع و نشر آن تجدید شده است.

* گذشته از این کتب که می‌توان از رهگذر آنها آثار و مؤلفات علما و دانشمندان اسلامی را شناسایی کرد، و کتابهای دیگری در این زمینه از دیرباز نگارش یافته که یا اختصاصاً به معرفی آثار یادشده، محدود است، یا آنکه می‌توان در لابلاي آنها آثار و مؤلفات علمای اسلامی را شناسایی کرد از قبیل:

- بلاغات النساء و اخبار المؤلفین و المؤلفات از احمد بن طیفور بغدادی (م ۲۸۰ ه.ق).

- طبقات اعلام الشيعة از حاج شيخ آقا بزرگ تهراني (م ۱۳۸۹ هـ. ق).

- الغدير از علامه عبدالحسين اميني (۱۳۲۰-۱۳۹۲ هـ. ق)، که بسياري از آثار و مؤلفات علمای اسلام و دانشمندان شيعة و سني در آن ياد شده است.

- معجم المؤلفين از عمر رضا كحالة، از معاصريني است که بر آن مستدرکي نيز نگاشت. علاوه بر آن کتابي تحت عنوان معجم مصنفی الکتب العربية تأليف کرد که طبع و منتشر شده است.

- فهرست کتابهای چاپی عربي و فارسی از: خانباامشار، معاصر، که چند سال قبل از دنيا رفت. اين کتاب در چند مجلد، بارها به طبع رسيده است.

- معجم المطبوعات العربية و المعربة و جامع التصانيف الحديثة از يوسف بن اليان بن موسى سرکيس دمشقي (۱۲۷۲-۱۳۵۱ هـ. ق).

- معجم المؤلفين العراقيين از گورکيس عواد بغدادی، که اين کتاب در سه مجلد در بغداد طبع و منتشر شده است.

- معجم المطبوعات النجفية از محمدهادی اميني، معاصر.

- معجم المؤلفات القرآنية و مؤلفات الامامية و مؤلفات الزيدية و دليل المخطوطات و تراجم الرجال و التراث العربي في خزنة مخطوطات آية الله العظمى المرعشي النجفي، و فهرست کتابخانه عمومي حضرت آية الله العظمى مرعشي نجفي از دانشمند گرانمايه و کتابشناس ارجمند آقای سيد احمد حسيني اشکوري. آثار اين محقق پرکار و آگاه در فهرست آثار و مؤلفات دانشمندان اسلامي به دهها مجلد مي رسد.

- معجم مؤلفي الشيعة، از شيخ علي فاضل قايي نجفي، معاصر.

* دانشمندان ديگري نيز براي آثار و مؤلفات دانشمندان اسلامي، فهرستهاي پرداخته اند که به زبانهاي فارسي و عربي نبوده، ولي پاره اي از آنها به زبان فارسي و غالباً به زبان عربي برگردان شده اند، از قبيل:

* بروکلما ن آلماني که کتاب او به زبان آلماني (با ذيل آن مجموعاً در پنج مجلد پر حجم) تأليف شده و مقداري از مجلد اول آن تحت عنوان «تاريخ الادب العربي» در هفت

- اسماء الکتب از رياضی زاده رومی حنفي (م ۱۰۷۸ هـ. ق).

- ذيل كشف الظنون از شيخ محمد عزت افندي «بوسنه زاده اسلامبولي» (م ۱۰۹۲ هـ. ق).

- التذكار الجامع للآثار از سيد حسين عباسی نبهاني چلبی (م ۱۰۹۶ هـ. ق).

- المؤلفين و المؤلفات از كمال الدين محمد بن مصطفى صديقي از علمای سده دوازده هجري که اين کتاب را در ۱۱۸۰ فراهم آورده است.

- فهرست الکتب و الرسائل از شيخ اسماعيل بن عبدالرسول اجيني (م ۱۱۸۴ هـ. ق).

- رياض العلماء و حياض الفضلاء از عبدالله اصفهاني، معروف به «افندي» از علمای سده دوازدهم هجري.

- آثار نو ذيل كشف الظنون از احمد طاهر افندي، معروف به «حنفي زاده» (م ۱۲۱۷ هـ. ق).

- معجم المصنفين از جمعی دانشمندان که به دستور نظام شاه آصف در بيروت در ۱۳۴۴ هـ. ق به طبع رسيده است.

- ذيل كشف الظنون از عارف حکمت بک معروف به «شيخ الاسلام» (م ۱۲۷۵ هـ. ق) صاحب کتابخانه عمومي «مدينه» که آنرا تا حرف (جيم) نگاشت.

- روضات الجنات في احوال العلماء و السادات از سيد محمد باقر خوانساري (م ۱۳۱۳ هـ. ق).

- الكنى والالقاب و تحفة الاحباب، و الفوائد الرضوية از حاج شيخ عباس، معروف به «محدث قمی» (م ۱۳۵۹ هـ. ق).

- الاعلام (قاموس تراجم لأشهر الرجال و النساء من العرب و المستعمرين و المستشرقين) از خيرالدين زرکلی (۱۳۱۰-۱۳۶۹ هـ. ق).

- اعيان الشيعة از سيد محسن امين عاملي (م ۱۳۷۱ هـ. ق).

- ربحانة الادب از ميرزا محمدعلي مدرس تبريزي (م ۱۳۷۳ هـ. ق) که نگارنده به محضر اين استاد در مدرسه سپهسالار قديم (شهيد بهشتي) تشرف حاصل نموده است.

مجلد یا بیشتر به زبان عربی برگردان شده است.

* مستشرق و محقق ترك، دکتر فؤاد سزگین، مقیم فرانکفورت، ذیلی بر کتاب بروکلیمان آن هم به زبان آلمانی نوشته که تاکنون یازده مجلد آن تحت عنوان «تاریخ التراث العربی توسط جمعی از علمای مصر به زبان عربی ترجمه شده و مجلد اول آن که در معرفی فهرستهای مخطوطات جهان است، توسط چنگیز پهلوان به زبان فارسی درآمده است.

* پاتریک وندیک ادوار هلندی کتابی درباره نامهای کتب تألیف کرده که آنرا بیلای مصر تحت عنوان «اکتفاء القنوع بماهو مطبوع» به عربی ترجمه کرده و در ۱۳۱۲ هـ. ق در قاهره به طبع رسیده است.

* اگوست مولیر آلمانی در توصیف کتب شرقی، فهرستی در هفت مجلد تألیف کرده که به سال ۱۳۳۷ هـ. ق در برلین طبع و منتشر شده است.

* شیخ محمد افند ارزرومی (م ۱۳۴۱ هـ. ق) کتاب «عثمانلی مؤلفری» را به زبان ترکی در ارائه آثار دانشمندان اسلامی تألیف کرده که طبع و نشر آن در استانبول در سه مجلد انجام پذیرفته است.

جز اینها صدها فهرست دیگر نیز از دو سه قرن پیش تاکنون در شرق و غرب جهان برای نسخه های خطی کتب و آثار دانشمندان اسلامی تدون شده که برشمردن نام آنها خود، مجالی واسع می طلبد.

البته باید شمار زیادی از کتب یاد شده را به عنوان کتب تراجم و رجال برشمرد که ضمن آنها آثار علمای اسلامی معرفی شده، و شماری دیگر که صرفاً به عنوان فهرست آثار فراهم آمده اند.

اما نخستین فهرستی که به سبک امروزی برای نسخه های خطی تألیف و تدوین شده، فهرست کتابخانه آستان قدس رضوی است. هرچند پیشینه این کار به اواخر سده سیزدهم هجری می رسد، اما دارای سبکهایی پراکنده و پریشان بوده است. در زمان نیابت تولیت سعید انصاری نخستین فهرست کتابخانه آستان قدس رضوی انتشار یافت و در ذیل مجلد دوم «مطلع الشمس» به چاپ رسید. از آن پس به طور مستقل شش مجلد فهرست کتابخانه مذکور توسط اوکتایی و سایر مجلدات توسط گلچین معانی و دیگران طبع و منتشر شده و کتابخانه های دیگر

ایران تدریجاً برای نسخه های خطی - پس از چندی از آغاز کار فهرست نگاری کتابخانه آستان قدس رضوی - به تدوین فهرست آغاز کرده و بدان ادامه داده اند، و به رغم آنکه بسیاری از نسخه های خطی کتابخانه های مهم فهرست نشده باقی مانده اند، فهرستهای منتشر شده کتابخانه های جمهوری اسلامی ایران از دویست مجلد فراتر می رود.

حسینی اشکوری:

سابقه فهرست نگاری را در سه روش متفاوت از زمانهای بسیار دور در تاریخ و فرهنگ اسلامی می توان پی گیری کرد:

۱- فهرست مؤلفات علمای بزرگ با اجازه روایت آنها، مانند فهرست کتابهای سید مرتضی که محمد بن محمد بصری نگاشته و سید اجازه روایت آنها را به تاریخ شعبان ۴۱۷ بدو می دهد.

۲- فهرست کتابهای مؤلفین بدون توجه به وجود آنها یا عدم وجود آنها، مانند فهرست ابن ندیم، فهرست شیخ طوسی و مانند این دو.

۳- فهرست کتابخانه های عمومی که در اختیار طالبان علم و پژوهندگان بوده و بیشتر آنها وابسته به مدرسه های مهمی بود که برای طلاب می ساختند و ضمناً دارای کتابخانه های مجهز بودند، چون در الحکمه بغداد و جز آن.

با انتشار اسلام و تشویق این دین مقدس به فراگیری علم و دانش، مسلمانان در عصور اولیه اسلامی به تدوین و تألیف پرداختند و مراکز علمی که در آغاز محصور به مساجد بود، تدریجاً به مدارس متعدد و مؤسسات عظیم بدل شد و مخصوصاً از نیمه دوم قرن دوم به بعد جهشهای چشمگیری در ابعاد مختلف فرهنگی به وجود آمد و با این پیشروی علمی، کتاب و کتابخانه را مقامی والا بود و به اضافه کتابخانه های عمومی، بزرگان علم و سیاست به گردآوری کتاب توجه خاصی پیدا کردند تا آنجا که می گویند صاحب بن عباد، یکصد و بیست هزار کتاب و سید مرتضی هشتاد هزار کتاب در کتابخانه خود فراهم آورده بودند. طبعاً این کتابخانه های عمومی و شخصی گروهی را به فهرست نگاری وامی داشت تا بهره گیری از کتابها میسر گردد.

*

سؤال هشتم: فواید و نتایجی را که بر فهرستنگاری مترتب است، بیان کنید.

حجتی:

* نسخه های خطی کتابخانه ها، فراموش شده ترین آثاری است که از پیشینیان به یادگار مانده اند. ظروف خزفی شکسته و یا ابزاری مفرغی از دوران باستان و یا مجسمه ای نخراشیده، یا بنا و دیوار و دری نه چنان دل انگیز - که دست و دل افرادی که تجربه فراوانی را پشت سر نگذارده اند و یا قریحه و ذوق و سلیقه ای را فاقد بوده اند - آنها را به جای نهاده از دیداری فزونتر و کنجکاوانه تر از نسخه های خطی برخوردارند و حتی کتابخوانان حرفه ای از چنان آثاری بیش از نسخه های خطی، اطلاعاتی در بایگانی حافظه خود دارند.

نسخه های خطی علاوه بر بُعد علمی، حامل ابعاد دیگری از فن و هنر متنوعی است. بسیاری از نسخه ها به گونه ای است که ذوق لطیف و سلیقه ظریف هنرمند در نقاشی و خطاطی در لابلای آنها می تواند مدتها افراد را به خود سرگرم کرده و بیش از هر اثر به جای مانده دیگر، دیده نواز و دل انگیز باشد.

ما به بعد فنی و هنری کتابها (چه از نظر آرایش جلد و درون جلد و نسخه و لابلای سطور و حواشی و کتیبه ها و سرلوحه ها و صحافیها و جز آنها) کاری نداریم؛ لکن درباره محتوی و یادداشتهای بسیار ارزشمند موجود در آنها سخن بسیار داریم که گزارش آنها در این مجال اندر خور نمی نماید؛ اما ممکن است اشاراتی بدانها داشته باشیم.

تا اینجا به این نتیجه می رسیم که کتابهای فهرست نشده، اندر صنایع ناسوز و یا غرفه های ویژه و یا به پای ستاده در میان کفه های قفسه ها همچون مجسمه های مومیایی شده ای هستند که بازدیدکنندگان کم شماری دارند (اما مجسمه ها دیدارکنندگان بیشتری دارند!) و حتی احیاناً خواص و متخصصان علوم، درباره بسیاری از آنها (یعنی نسخه های خطی) در بی اطلاعی به سر می برند.

پس نتایجی که بر فهرست نگاری مترتب است - با توجه به غربتی که نسخه های خطی بدان دچارند و یادداشتهای گرانبهایی که در صفحات عنوان و یا هوامش آن وجود دارد و اینکه نسخه های اصل و معتمد در میان

آنها دیده می شوند - زیاد و پربار و بدون مبالغه بی شمار است که ما به برخی از آنها اشاره می کنیم:

- نخست آنکه بسیاری از آثار ارزشمند و گرانقدر که قبل از فهرست نگاری ناشناخته می نمود، شناسایی می شوند.

- اگر این نسخه ها از رهگذر فهرست نگاری عرضه و ارائه نمی شد، دستیابی به نسخه های اصل و یا خط مؤلف بسیار دشوار و احیاناً ناممکن به نظر می رسید. فهرست نگاری است که می تواند راه دستیابی به آنها را هموار و آسان گرداند.

- با نگارش فهرست، محققان بر شمار نسخه های کتابهای مختلف - بویژه نسخه های نفیس که باید در چاپ و نشر کتاب مورد نظر از آنها بهره گرفت و به مقابله و تصحیح آن روی آورد - مطلع می گردند و کتاب را به گونه ای مرغوب و پاکیزه از هفوات و اغلاط به زیور طبع می آریند.

- در لابلای نسخه های خطی علاوه بر انهاء و مقابله و بلاغهای برجستگان دین و دانش که از طریق فهرست نگاری با آنها آشنایی به هم می رسانیم، یادداشتهای بسیار سودمندی در نسخه های خطی دیده می شود که در ابعاد مختلف تاریخ و تراجم و اوضاع اقتصادی و ... محققان سودمند آید. بسیاری از اجازات را می توان از پیچ و خم این نسخه ها بیرون کشید و آنها را در راستای کتبی که در این زمینه فراهم می آیند، قرار داد و ناشناخته هایی بسان کتر مکنون از قعر و کناره های این بحر ذخار نسخه های خطی به دست آورد.

- از طریق فهرست نگاری است که شیفتگان دانش و دین به مساعی مستمر و بی وقفه آبا و نیاکانشان پی برده و مطلع خواهند شد که پیشینیان برای صیانت حریم دین و دانش به هیچ وجه از بذل و سع و توان خویش دریغ روا نداشته و تمام قوای خود را در جهت پیشبرد فرهنگ جامعه خود و جهانی بسیج کرده و در این راه از بذل مال و جان به هیچ روی فروگذار نکرده اند.

- فهرست نگاری به این نتیجه بارور می گردد که یک محقق با منابع مهم و مورد اعتماد و دقیق و عمیق در تحقیقات مختلف آشنا شده و از آنها مدد جسته، و کاوشی سنجیده و نسبتاً کاملی را در موضوعات متنوع در پیش

گرفته، و تحفه‌ای از فرآورده‌های تحقیقاتی خود را به جامعه بشری پیشکش کند که ارزنده و کارساز باشد.

- با فهرست‌نگاری، چهره‌های ناشناخته و غربت زده نسخه‌های خطی با محققان انس و الفتی به هم می‌رسانند که اگر برای آنها فهرستی نمی‌نگاشتند، در گورستان کتابخانه‌ها تدریجاً راه زوال ابدی را در پیش داشتند و با گردوخاک و موربانه و موش و ... انس برقرار کرده و در کام مرور دهر گرفتار فرسایش و سرانجام، نابودی می‌شدند؛ چنانکه هزارها نسخه تاکنون بر اثر عدم اهتمام به آنها از میان رفته‌اند و آنها که از میان رفتند حداقل با فهرست‌نگاری، نام و نشانشان در کتب فهرستی - که در پاسخ اولین سؤال این دفتر یاد کردیم - به جای مانده است. با نگارش فهرست، نسخه‌ها شناخته می‌شوند و افراد خیرخواه اندیشمند و دانش‌پرور و حتی دولتمردان، اسباب و عوامل صیانت آنها را فراهم می‌آورند. چنانکه عملاً در روزگار معاصر این خیرخواهی را از سوی فرهنگ و دوستان فرزانه که در دولت و حکومت سهمی دارند کاملاً احساس می‌کنیم.

- آری با فهرست‌نگاری - که همه مشخصات نسخه‌ها را ثبت و ضبط می‌کند - فقدان و یا سرقت نسخه‌ها کشف شده و در صورتی که نسخه‌ای و یا نسخه‌هایی از کتابخانه‌های کشورمان به دیگر کشورها به یغما رفته و یا برود، با شماره‌های ثبت و راهنما و مشخصات آنها می‌توان به اعاده آنها در جای خود، راهی گشود.

- فهرست‌نگاری را فوائد و نتایج و بهره‌هایی است که ذکر اجمالی آنها در این مختصر نمی‌گنجد و ذهن‌نگارنده را توان آن نیست که با تراکم کارها و قصور باع و اختلال در احوال حتی به طور فشرده آنها را خاطر نشان سازد.

حسینی اشکوری:

نخستین فایده فهرست‌ها کشف خزاین علمی است که در گوشه و کنار کتابخانه‌های عمومی و خصوصی دنیا در رفها و طاقچه‌ها آرمیده و اگر این کلید نباشد اطلاع بر این گنجهای گرانبها برای کسی میسر نخواهد بود. محقق و پژوهنده نمی‌تواند به منابع قدیمی دسترسی داشته باشد مگر از طریق فهرست‌هایی که تدوین و نشر می‌شوند. این کار مهمترین وسیله‌ای برای یافتن مقصود است.

از سوی دیگر، بدین وسیله با بسیاری از چهره‌های علمی گمنام آشنا می‌شویم. مؤلفینی که شناخته نشده‌اند، عالمانی که کتابها را تدریس کرده و در آنها بلاغ یا اجازه نوشته‌اند، شاگردانی که کتابها را نزد اساتید خوانده‌اند، هنرمندانی که به گونه‌ای در نسخه‌های تزیینی هنر‌نمایی کرده‌اند، مالکانی که به کتاب عشق می‌ورزیده و روی کتاب یادداشت نوشته یا امضا کرده‌اند و ... آشنایی با تمام این فواید و جز اینها از راه فهرست برای ما میسر می‌شود و اگر این راه نبود امکان نداشت همه نسخه‌ها را از نزدیک دیده و براین فواید دست یابیم.

*

سؤال نهم: چه تعداد از کتابخانه‌ها در ایران فهرست شده و چه مقدار فهرست نشده است؟

حجتی:

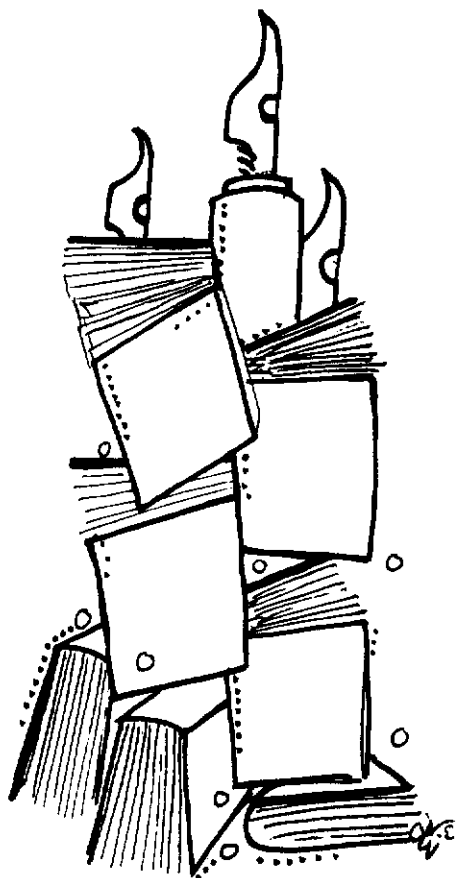
* برای آگاهی از تعداد و شمار کتابخانه‌هایی که در کشور عزیزمان برای نسخه‌های خطی آنها، فهرست تدوین شده است، علاقه‌مندان می‌توانند به آغاز مجلد اول «فهرست موضوعی نسخه‌های خطی عربی کتابخانه‌های جمهوری اسلامی ایران» (کشاف الفهارس) مراجعه کنند. ولی باید یادآور شد که برای همه نسخه‌های خطی کتابخانه‌های یادشده، فهرست کاملی تدوین نشده است. حتی برای نمونه نگارش فهرست جم غفیری از نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی - نورالله مرقدہ الشریف - ادامه دارد و تا حدود بیش از نیمی از نسخه‌های خطی آن فهرست نشده در قفسه‌ها به انتظار ایستاده‌اند تا دستی به سر و صورت آنها کشیده شود و مجلداتی متعدد از فهرست برای آنها فراهم آید. همچنین پاره‌ای از کتابخانه‌های دیگر دارای چنین وضع و شرائطی هستند و باید خدای را سپاس گفت که محققان فهرست‌نگار، عمده فرصتهای خود را در این کتابخانه به نگارش فهرست برای نسخه‌های فهرست نشده مصروف می‌دارند.

شیعه در کتابخانه های ما وجود دارد که ما را از مراجعه به منابع دیگران بی نیاز می سازد.

بر شمردن نسخه های شایان احیاء و طبع و نشر در اینجا نمی گنجد، تنها به همین دو نمونه بسنده کرده تا در فرصتی دیگر به ذکر آنها - ان شاء الله - مبادرت ورزیم.

حسینی اشکوری:

چندی پیش، توسط ارشاد و با همکاری گروهی از محققین و نظرخواهی از این جانب جزوه ای تهیه شد و نام چند رساله و کتاب (اکثراً فارسی) در آن جزوه به منظور تهیه مقدمات تحقیق و تصحیح آمده که می توانید بدان جزوه مراجعه کنید.



حسینی اشکوری:

پاسخ این سؤال بر عهده مؤسسه دایرة المعارف کتابخانه های جهان وابسته به کتابخانه آیت الله مرعشی است.



سؤال دهم: چند نسخه مهم احیاء (تصحیح) نشده را که لازم است تصحیح شود، نام ببرید.
حجتی:

* نسخه هایی که احیای آنها از طریق تصحیح انتقادی و چاپ و نشر آن ضروری می نماید بس متعدد و فراوان است و ذکر آنها موجب اطناب ممل می گردد.

در فهرستی که راجع به کتب تفسیر عربی فراهم آوردم - که هم اکنون حروفچینی آن در دو مجلد به اتمام رسیده - چندین کتاب تفسیر شیعی و پخته و مهم جلب نظر می کند که اهم آنها تفسیر «الکشف و البیان» ثعلبی نیشابوری است که احتمال تشیع و تقیه او نامعقول به نظر می رسد. در فلسفه نیز شرحی بسیار مرغوب و مطبوع بر «الاشارات و التنبیهات» ابن سینا به نام «بشارات الاشارات» را سراغ دارم که تا هم اکنون فقط بر دو نسخه آن در کتابخانه های جمهوری اسلامی ایران اطلاع یافتیم که یکی از آنها نسخه ای است به خط مؤلف که در ۶۸۸ هـ. ق تألیف و تحریر شده است.

هم اکنون محققان شیعه در بسیاری از موضوعات به منابع اهل سنت روی می آورند. در مسأله قرائت و تجوید و علوم قرآنی و حدیث و موضوعات دیگر غالباً با منابعی سروکار دارند که علمای اهل سنت آنها را به ثمر رسانده اند. علت این امر، عدم احیای مخطوطاتی است که هنوز نمایان نشده و در دسترس محققان قرار ندارند؛ در حالی که منابع شیعی در زمینه های گوناگون علوم، فراوان و دارای مزایای دقت و تعمق است. برای نمونه می توان به مجلد اول تا چهارم فهرست موضوعی یاد شده نگارنده مراجعه کرد که تا چه اندازه کتابهایی در قرائت و تجوید، و یا تفسیر و علوم راجعه به قرآن از دانشمندان